

# کتابخانه حقیقی

شماره ۶۳ ۴۸ اسفند ۱۳۵۸

## خلفهای قهرمان: نوروزتان پیروز باد!

نوروز ۱۳۵۹ را رسیده ملت ما پس از گذشت یک سال پیمایان و نوحول بدستقبال سال دیگری میروند. سی روزی های بازم بزرگتری را به دست آورد.

نوروز گذشت را ملت ما پس از سرنگ کردن دربار پهلوی، برده هزاران شهیدان انقلاب و بیاد آنها سرگزار گردوا سال نیزجا داردا این سنت گرامی را ارج نهاده، بیاد شهیدانمان را زنده نگه داریم.

سال گذشته، برای ملت ما سال براهی بود. مردم ما یکسال را بدون بلطف خدا ستگا را در رژیم پهلوی بسر آوردند و تجربه کردند و چنانچه انسان دیدند که رژیم وابسته و سوزگر آمریکا چه خباثت ها و جناياتی بر علیه ملت ما مرتکب شده است. اما آنچه در سال قبل با دیگر جا معه و چنان را تکان داد، با لاکیری یک نهضت بزرگ ضد-امریالیستی بر علیه امپریالیسم آمریکا بود. "بعدا ز شاه نوبست آمریکا است".

نوروز ۵۷ سال سرنگونی رژیم سلطنتی و سال ۵۸ سال مبارزه برای تحقق قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم آمریکا بود و این مبارزه که در پیوند با مبارزه علیه پایه های اساسی و هنوز با بر جای رژیم گذشته، سرمایه-داران وابسته و زمین داران بزرگ و بقیه در صفحه ۴

## مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه ضد سازشکاری

با جریان سازشکاری نیز مبارزه کنند و این جریان در هیچ کجای دیگر جز "شورای انقلاب"، مقرریاست جمهوری و دولت، لایه ندارد.

مبارزه ضد امپریالیستی که از بقیه در صفحه ۴

### در این شماره

- نوطه در نوطه ص ۱۴
- نقدی بر نظرات "راه کارگر" (۲) ص ۱۴
- بیاد شهیدان بسندج ص ۱۴
- بحث آزاد است ولی نه برای مردم!! ص ۱۴
- دانشجوی خط امام ص ۱۴
- مقاومت، مقاومت ص ۱۴
- اعلامه نمایندگان پرسنل نظامی ص ۸
- نوطه کارما در تعطیل کارخانه چینی شد ص ۷
- قطعه ای "اتحاد شوراهای کارگران کیلان" ص ۷

### نگاهی به جنبش

### ضد امپریالیستی سالهای ۳۲-۳۳

### بیاد بود سال روز ملی شدن صنعت نفت

نقطه اوج داشت. نقطه اوج اول بلاتناطلس از ایلیان جنگ جهانی بقیه در صفحه ۴

۲۹ اسفند سال روز ملی شدن صنعت نفت و یاد آور دوره مهمی از جنبشهای مردم ایران بسورای آزادی و استقلال است. در سالهای پس از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ کشور ما شاهد یک دوره ۱۲ ساله مبارزات عظیم مردم-کراتیک و ضد استعماری بود، که دو

مبارزه ضد امپریالیستی را که بی بدین بود ان معقد است و آن را در خط امامی داریم. بدان سن در دهیم و سلیم آن تویم. ولی چون دولت-مردان همه سینه های ما را موجب نصرت خود می دانند و همیشه سخنان از دولت دره و ملت میگویند. انرا برای اینکه هرگونه نوعی تعاضلی از پیش برود. سن برای انقلاب اعلام می کنیم که گروگانها یعنی جاسوسان آمریکائی را از ما تحویل بگیرند. دربار آنها هرگونه شخصی می دهند عمل کنند. (از اطلاعیه دانشجویان خطاب به شورای انقلاب) با انتشار این اطلاعیه در هفته گذشته (پنجشنبه ۱۶ اسفند) موج دیگری از مبارزه ضد امپریالیستی در میان مردم بالا گرفت. اگرچه مضمون و محتوای موج بلند شده، همان مضمون مبارزه ضد امپریالیستی و ادا عدولگسترش آن بود. ولی این بار مردم بوضوح آشکارا دیدند و لمس کردند که برای ادا مصلحت و ننگا مل مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بنیانه دشمن اصلی انقلاب ایران، باید

### نکاتی در حاشیه

## لایحه جدید ارضی

شورای انقلاب در شهریور ماه گذشته که توسط ابزوی فئودال ارائه گردیده بود (حقیقت ۴۵-۴۴)، ذکر چند نکته ضروری است.

۱- با لایحه که بعد از سه ماه و اندی کشمکش و مبارزه در درون محافل حاکم کنونی و در بیرون آن در عرصه مبارزه طبقاتی روستاها، لایحه جدیدی در مورد مساله ارضی بتصویب شورای انقلاب رسیده است. این لایحه، در جمع بست از نکات و موارد آن، شباهت زیادی به لایحه ارائه شده بقیه در صفحه ۴

در هفته گذشته، در شورای انقلاب در مورد مساله ارضی لایحه ای بنام "لایحه مربوط به واگذاری زمین به کشاورزان" مورد تصویب قرار گرفت. بررسی مختصری از این لایحه در شرایط کنونی مبارزه طبقاتی در روستاها که دهقانان و جنبشهایشان، فئودالها و دارو دسته هایشان را مورد ضربت قرار داده اند، حاظر اهمیت است. در بررسی این لایحه با توجه به تحلیلها و مواضع ما در باره نظریات و طرح ارائه شده توسط رضا امپاتی (حقیقت ۵۸) و هم-چنین با توجه به لایحه کذائی موریه

## هشدار به دوستان مجاهد

این او اخر تزلزل سازمان مجاهدین خلق و برخی موفخ گیری های این سازمان در مقابل اتحاد شوروی و نجا و گریهای امپریالیستی آن تولید نگرانی کرده است. سازمان مجاهدین خلق یک سازمان انقلابی است و بخاطر گذشته خویش و همچنین بای بنده اش بقیه در صفحه ۴

# حقیقت

مبارزه‌ها میریالیستی ...

چند ماه پیش پس از اشغال جاسوخته به امیریا لیسیم آمریکا توسط "دانشجویان" مسلمان بیروخط امام" بالاکرفت، از همان ابتدا با مخالفت سازشکاران و جریان‌ها ضد انقلابی حاکم روبرو گردید. از همان ابتدا سعی شده که ایس مبارزه را منحرف کرده و با لایحه حقه سازند. "شورای انقلاب" از همان ابتدا سیاست نازش با امیریا لیسیم آمریکا را بینه خود ساخت. مضمون این سیاست بسیار روشن است: **اولا** خواسته‌های این مبارزه را، یعنی استرداد شاه و اموال بشارت برده شده، را تخفیف داده و به مسائل و حواصت‌های یوج وی معنی از قبیل فصول جنایات شاه از طرف آمریکا منحرف سازد، **ثانیا** با برپا کردن رشته محاکمات و تحقیقاتی از قبیل "هیئت منصفه بزرگ" و "کمیسیون تحقیق" و ... به مردم ایران بخیولانند که کویا "پیروز" شده اند و **ثالثا**، با آزادی کروکاتهای جاسوس، سرکزی مبارزه گیتی، آنجائی که حورقه این مبارزه رده در اراخ مونی کنند.

دانشجویان و مردم از همان ابتدا ناچار بودند که در عین مبارزه ضد امیریا لیسیم، با این جریان سازشکاران و نهزیمبارزه روبرو گردند. بنابراین این مبارزه درنگام خود به مبارزه‌ای ضد امیریا لیسیم، ضد سازشکاری بدل گردید. و هفته گذشته اوج پیوند این دو مبارزه با یکدیگر را نشان داد. بدینوسیله برخی سگاب پیردازیم:

## ۱- بنی صدر و شورای انقلاب و طرح کمیسیون تحقیق

همانطور که گفتیم سیاست "شورای انقلاب"، سیاست سازش با امیریا لیسیم آمریکا و خمد کردن مبارزه بود. مضمون این سیاست در طی چند ماه گذشته همچون نمبری نگرد، اگر چه شکل ها و حالتی آن متفاوت است زمانی این سیاست از طریق شرکت جناب بنی صدر در جلسه شورای امنیت و اعلام "مظلومیت" مردم ایران در

انظار جهانیان فرار بودید، نه خود، زمانی دیگر از طریق تشکیل "هیئت منصفه بزرگ" و بر راه انداختن "محاکمات بزرگ" در تهران و زمانی هم از طریق "کمیسیون تحقیق" و بررسی جنایات شاه.

جناب بنی صدر، با انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری با ۱۰ میلیون رای (که بسیار هم پیدان می سازد)، عزم را جزم کرد که به ساله انتقال جاسوخته‌ها یا باند دهنده این مبارزه ضد امیریا لیسیم را خفه سازد. بنابراین این رهبری همه سازشکاران را در حمله به دانشجویان بعهده گرفت. حساب ایشان اولین مسئول حکومتی بود که بخود جرئت داده و دانشجویان را "خودکامه" خواند، و پس از ایشان آبرویا ختگانی چون سازشکاران، مسلمان‌ها و حتی امیریا لیسیم را در حمله به دانشجویان ببلند شدند. شوم رای ضد انقلاب هم دانشجویان را از رادیو تلویزیون محروم ساخت. بدین ترتیب یک حمله همه جانبه بر علی بنی دانشجویان آغاز شد. در کنار این حملات توطئه "کمیسیون تحقیق" شکل گرفت و با لایحه و وقایع و حواصت هفته گذشته منجر گردید.

دانشجویان که از طرح "کمیسیون تحقیق" و تمامی ابعاد فو و قرارها و سازشکاری که صورت گرفته است، اطلاعی نداشتند و بدان مشکوک بودند (بخصوص با توجه به تبلیغات امیریا لیسیم آمریکا و خشنودیهای گه از سیاست سفر "کمیسیون تحقیق" به ایران می کردند) با ملاقات اعضای "کمیسیون" و کروکاتهای مخالفت کردند. "شورای انقلاب" و بنی صدر فشار خود را بر دانشجویان افزایش دادند و بطوریکه ارمایه‌ها و اطلاعیه‌ها دانشجویان برپا می آید، آف‌سای بنی صدر آتیا را حتی تهدید با استغناء کرده است.

است که بر ما سازوار آید و کمی از سخنرانی منگنی با طرح استغناء و تهدید استغناء و بدین طریق ما را تحت فشار قرار دادند و از این سوء استفاده می که دولت موقت هم از این استفاده می‌کرد و حرف‌های اینجانب را بررسی می‌سازد استغناء کند. اما همه دانشجویان - آزادگان ۱۸ اسفند) دانشجویان در مقابل تمامی اس‌تارهای ضد انقلابی، ساله را غنمی میکنند و حاضر نیستند بوجه کر و خنی از این طرح سازشکارانسه سازند و اطلاعیه معروف خود مبنی بر تحویل کروکاتهای "شورای انقلاب" را صادر می‌کنند. "شورای انقلاب" و

بنی صدر نیز از موقعیت راضی نیستند دانسته و با این هیئت‌ها موافقت نمیکنند و وزیر امور خارجه، قطب زاده را با مورتحویل کروکاتهای می نماید. حتی برای اینکه در بین توده مردم از حقانیت بیشتری برخوردار شوند به دروغ می‌طرح میکنند که آیت الله خمینی نیز با این تحویل و تحول موافقت دارد. ("قطب زاده در مورد این مسئله بسیار دانشجویان موردنا امیدام بوده است تا اخیر گفت اس موضوع قطب با اطلاع امام رسیده بوده و ایشان موافقت خود را در این مورد اعلام داشته اند - با مصاد ۱۸ اسفند آیت الله با کفایت نگذاریم که این دروغ بعد از نظرف "دفتر امام خمینی" تکذیب شد. تمام گاه و کوره‌ها بر سر قطب زاده تکفیه شد، در صورتیکه قطب زاده فقط راوی این خبر دروغ بود. منبع اصلی این خبر دروغ هیچکس جز جناب بنی صدر نبود که صبح پنجشنبه با آیت الله خمینی ملاقات کرده بود: "دانشجویان مسلمان بیروخط امام قطب را بسیار دشمن و گروگات‌ها به شورای انقلاب را خدمت امام خمینی تقدیم کرده بودند و امام نیز در ملاقاتی که روز پنجشنبه با ایشان ملاقات داشتیم این پیشنهاد را به بنی دادند و من هم بدین ترتیب و ایس ساله در جلسه شورای انقلاب مطرح شد و تصویب رسید ... - با مصاد ۱۸ اسفند)

با انتشار اطلاعیه دانشجویان، و تصویب این پیشنهاد توسط "شورای انقلاب" عامل اصلی مبارزه، یعنی مردم وارد میدان شدند. وارد شدن این عامل، بسیاری از معادلات و خواب و خیال‌های "شورای انقلاب"، جناب بنی صدر و امیریا لیسیم را برهم زد. مخالفت سختی از طرف نیروهای سیاسی و خمیص مردم با این اقدام سازشکارانه و در دفاع از دانشجویان آغاز گردید. چندین شب و روز متوالی، هزاران نفر در مقابل لانه جاسوسی کرده آمدند، سیل تلگراف‌های تنبیهی از نقاط مختلف سوی لانه جاسوسی سرازیر گردید. در مقابل رادیو تلویزیون بکلی دانشجویان را تحریم کرد. هیچ کدام از پیام‌های تنبیهی را منعکس نداشت و بالعکس نوار حملدی شرمناکه قطب زاده مملوم الحال را جاشنی برنا می‌هایس کرد.

با لایحه روزیستم اسفند پیام آیت الله خمینی در مورد ساله مورد بحث یعنی ملاقات "کمیسیون تحقیق" با کروکاتهای ما در کردید. سه نکته‌ای

نگاهی به جنبش ...

دوم و آغاز خروج ارتشهای خارجی از کشور بود، که کمابیش یک وضع انقلابی در جامعه ما پیش آورد و قیام، اعتمادیها و نظاهرات‌های گسترده‌ای را موجب شد. لیکن وضع انقلابی ویژه آن زمان بعلت نبودن برخی عوامل بویژه عوامل ذهنی مناسب رهبران و سازمانهای انقلابی، نتوانست به انقلاب تحول پیدا کند و عقیم مانده. ارتجاع محمدرضا شاهی به بسیاری امیریا لیسیمهای آمریکائی و انگلیسی نتوانست دامن خود را از بحران انقلاب بی بیرون کشیده و موقعیت خود را از بحران انقلابی بیرون کشیده و موقعیت خود را موقتا تحکیم کند. نقطه اوج دوم در سال پس از آن با طرح مساله نفت در جامعه ما در سالهای ۲۹-۱۳۲۸ و اعلام ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ فراهم شد و مرداد ۱۳۳۲ ادامه یافت. طی این سالها مردم ایران دست بیک نبردند اما میریالیستی عظیم زدند، که لایحه تشریح متوجه امیریا لیسیم کپنه کار انگلیس و زیر رهبری محافل ملی وابسته به سرمایه داری در کشور ما بود. مبارزات این دوره، که با طرد سلطه اقتصادی و سیاسی امیریا لیسیم انگلیس و پایگاه اصلی آن در صنایع نفت آغاز شد، ضامن رودررویی کامل مردم با دولت قدرت امیریا لیسیم آمریکا و انگلیس و ارتجاع داخلی سرکردگی دربار پهلوی تکامل یافت. ولیکن نتوانست به انقلابی علیه آنها تکامل یابد. جنبش مردم شرایط ورود ضامن پندکان بورژوازی ملی را به دستگاه حاکمه فراهم کرد، ولی در برخورد با این دستگاه از حد مطالبات اطلاع طلبانه، که مطالبات بورژوازی ملی بود، فراتر رفت. رهبری جنبش در برخورد به دشمنان ملت روشن مسالمت و ممانعت در پیش گرفت و در آخر هم قربانی همین قضیه شد.

دکتر محمدقاسم بعنوان مظنه جنبش ضد امیریا لیسیم این دوره شخصیت میهن پرست و مبارزی بود که برای حقوق ملی مردم خویش در حد توانائی خود تلاش ورزید و تا حدی به کشتن آزادیها در جامعه یاری رساند، لیکن نتوانست به سطح یک رهبران انقلابی تکامل کند و اراده فشرده ملت را برای ریشه کن سازی ارتجاع و امیریا لیسیم در موقه حساس و تعیین کننده در تصمیم و عمل خود به منفعه ظهور برساند. در این دوره بخش عظیمی از توده

# حقیقت

نگاهی به جنبش ...

ده های مردم در شهرها به دخالت در امور سیاسی کشور کشیده شوند و تحت تاثیر مبارزات پارلمانی نمایندگان بورژوازی ملی جوش و خروش خدا میر - بالیستی عظیمی از خود نشان دادند، که در عالیترین شکل خود در قیام سی تیر تجلی یافت. مصدق توانست با بدست گرفتن رهبری این توده ها و برانگیختن آنها علیه امیرالایم - انگلیس و نیز نجاتی علیه توطئه ها و دخالت های خائسانه دربار ریپبلوی در دوره زمانه مداری خود، ضربات متعددی بر بیکران استعمار بیگانه و کارگران اش در کشور ما وارد ساخت و برخی اصلاحات را در جابجوب فاشون اساسی گذشته بر دولت دستگاه تحمیل کند. لیکن وی بیش از حد نیروی تضادهای میان امیرالایم آمریکا و انگلیس، گسسته بازتابی از رقابت های انحصارات نفتی آمریکا و انگلیس بر سر منابع نفتی کشور ما بود، حساب میکرد و با آنکه تسلیم بینندگان ریاست کار راه و سیاست تطبیع و تجدید دولت آمریکا شد، دست از ممانعت با آمریکا نیز برداشت و جلوی نفوذ سیاسی آسرا گرفت. وابستگی سیاسی او به بورژوازی ملی و بیوندهای خانوادگیش به اشرافیت حاکم، که از میانه نشان برحاسته بود، او را در بر خورد به تریدید و عدم تقاطع در بار ریپبلوی به نتیجه در برابر توطئه های دربار و ارتجاع دست نهاده حاکم بر شوروی و انقلابی توده های وسیعی که در سهوی اعتماد کرده بودند فاطانه انگاء تحمیل کرد. سیاست ممانعت جویانه مصدق در دوره زمانه مداری اش با دربار و اعتمادی بنیادش به ارتش، که حتی پس از قیام سی تیر و پس از توطئه ۱۹ اسفند اما مبدی کرد، برای حکومت وی و برای جنبش خدا میر بالیستی مردم ایران هلاکت یا ربود، او با همه صمیمیت و علائق دیرینه خود با استقلال ایران و اصول دمکراسی بورژوازی در تمام طول زمانه مداریش از طغیان مردم و تبدیل جنب و جوش انقلابی شان بیک انقلاب سیاسی و همه داشت و از این رو در چند مورد از جمله مورد تندویسن و تصویر لایحه "امنیت اجتماعی" به

تحدید آزادیها و مفاصله با جنبشهای حق طلبانه رحمتکنان کشیده شد. سیاستهای یاد شده نمیتوانست نگرانی طبقه کارگران و فترت های رحمتکنان را در آن دوره برنیا نکیرد. این مسائل از سوی موجب سد طبقه کارگر که در سالهای پس از شهریور ۲۰ با به میدان مبارزات اقتصادی و سیاسی وسیعی نهاده بود با بی اعتمادی و تردید به زمینه های مشترک مبارزه خویش با طبقات غیر رحمتکنان که زیر رهبری مصدق بودند نگاه کند. و از سوی دیگر موجب شد که برای توجیه کاری های فرصت طلبانه و روشنفکران خرده بورژوا، که در رهبری حزب توده تجلی می یافت، در جهت به انفرادی گنجانیدن طبقه کارگران جنبش عمومی خدا میر - لیستی خوراک مناسب فراهم کرد. سیاستهای رهبری حزب توده در دوره او حکمیری جنبش خدا میر - لیستی مردم برای ملی کردن صنعت نفت بر برداشتی یکجانبه و در کفالیستی و جرمی از حرکت بورژوازی ملی استوار بود. بدتر آنکه این رهبری بطولت خطت روشنفکران با توده و غیر انقلابی خویش، کمزور عواطف استقلال طلبانه و جاه طلبی صرف نتوانست به اهمیت و بردنا ریخی جنبش خدا میر بالیستی آن دوره پی ببرد. این رهبری در حالیکه در برابر عوام متریبی ههای ارتجاع فوالم السلطنه ای در سالهای ۱۳۲۴ - ۲۵ خود را با خسته و راه سازش با اعمال استعمار را در پیش گرفت، در برابر حرکت خدا میر - لیستی بورژوازی ملی، که توده های وسیعی از خرده بورژوازی شهری را نیز به دنبال میکشید، عبارت بردار ریهای مطمئن و جبهه نما یا نه هوش و حواس از سر ایسان در روبرو بوده بود "سازش با بدیر" شده بود! این آقایان راحتی قیام سی تیر، که علیه غم میلان شده، حزبی فخرمانه یا نه به میدان گذاشت و در راه پیروزی آن تهدای بسیار نهاد، از خواب بیدار نکرد و تا اسفند ۱۳۲۱ هنوز در سیاستهای جبهه روایه و فرقه جویانه خود با فشاری داشتند. پس از آن نیز که برای تعیین مناسبات صحیحی با حکومت جبهه ملی و جریبان مصدقی در جامعه تلاشهایی به خرج دادند بیکباره سر به دنبال سه روی از حکومت گذارده و با انتظارات پیوج خود از حرکت رهبران بورژوازی، طبقه کارگر و اعضای حزب را در بدست گرفتن اینکار رعیل در شرایط حمله کودتا و سیج مردم علیه کودتا چنان مانع شدند. امروز نیز برداشتهای یکجانبه،

درک فالی و جرمی ارتقا با وجب - نمائی کودکان در برابر جریانات عبری رولتری ولی درون خلقی در جامعه در میان بسیاری از روشنفکران جبهه و در فعالیت آنها در میان طبقه کارگر رواج دارد و بساد آور مطلقه کار ریها و توجیه گریهای رهبری حزب توده در آن دوره است. اینان نیز از درک اهمیت ویرد جنبش خدا میر بالیستی مردم و نقش و جایگاه جریانات عبری رولتری در انقلاب ایران عاجزند و به جای انکاء بر جوش و خروش خدا میر بالیستی مردم و یاری رساندن به گسترش و تعمیق آن و همچنین ایجاد آمادگی در میان خلق برای برخورد های اجتناب ناپذیر آتی با ارتجاع و امیرالایم مسخو رعبارت بردار ریهای مطمئن شده اند و علی الخصوص بی تحرکی راست روانه خود را در قیل ارتقا میخوانند. هند با جبهه نمائی های خسود در دوره جدید جبران کنند. یاد آوری انحراف فاش رهبری حزب توده در آن دوره می تواند در دوره جدید کنوسی برای این دست از روشنفکران و فعالان جبهه عبرت انگیز باشد.

مبارزه خدا میر بالیستی .... که آیت الله خمینی در مورد این مسئله اظهار کرده بودند، همان حواسته ها و پیشنها دات اولیه خود را تشجویبان مستقر در لانه جاسوسی بود. با صدور این اطلاعیه از زنده از طرف آیت الله خمینی که در واقع در مبارزه مشخص "شورای انقلاب" و بنی صدر از یکسود تشجویبان از سوی دیکسور، جانب دانشجویان و با در حقیقت جانب مردم را گرفتند، دیکر کاری برای "کمیسیون تحقیق" در ایران باقی نمی ماند و آنان خوشحالتانه فردای آن روز ایران را ترک کردند. اهمیتی که این مبارزه داشت، و نیروهای انقلابی باید از این جهت بدان توجه کنند، این است که این مبارزه بیوضوح و روشنی برای مردم جدا نا پذیر می باشد خدا میر بالیستی و ضما زشکاری را مطرح ساخت. مبارزه خدا میر بالیستی جسامی در مسیر خود از فراز و نشیب های زیادی گذشته است، زمانی فروکش نسبی کرده و زمانی اوج گرفته است. ولی با همه اشکالات و تراسایی های موجود در آن، تکامل یافته و در طی مسیر خود همواره مجبور بوده است که با جریبان سازشکاران و ضد انقلابی حاکم بر "شورای انقلاب" و دولت مبارزه نماید. مبارزه مشخص هفته گذشته اوج

بقیه در صفحه ۹

بیوندهایی مبارزه خدا میر بالیستی با مبارزه فدسازشکاری بود و مردم آن را بیوضوح کامل دریافتند. و بالا تر از آن مردم بیوضوح و روشنی کامل دیدند که این جریان سازشکاری در هیچ کجا جز "شورای انقلاب"، مقر ریاست جمهوری و دولت لانه ندارد.

## ۴- دودوزه بازی حزب جمهوری اسلامی

حزب آبرو باخته جمهوری اسلامی و سران معلوم الحالش چون بهشتی و هاشمی رفسنجانی که "شورای انقلاب" را بر کرده اند گوش و سعی عیبی نمودند که از مبارزه ای که در هفته گذشته بلند گردید، بهره بر داری سیاسی کنند. جندی است که حزب جمهوری اسلامی، با کپان "مدلیبرالی" شده و هم "خط ارتباط با غرب" را می گوید و هم "خط ارتباط با شرق" را!! حزب جمهوری اسلامی که خود را "نهضت آزادی" تا همین جندی پیش عقده اتحاد بسته بود، و خود یکی از پایگاه های اصلی "ارتباط با غرب" می باشد، بخاطر کسب وجهه از دست رفته ناگهان مانع "مدلیبرالی" و "ضد امیرالایستی" و آسیم بطور غلیظ به جبهه خود کشیده است و بنا بر این سعی نمود که از حوادث و وقایع هفته گذشته بهره برداری سیاسی کند. حزب جمهوری اسلامی که "شورای انقلاب" را از رهبران خود بر کرده است، با تحویل گروه گانه به شورای گذاشتی ضد انقلاب هیچ اختلافی نداشت و در درون شوراهم با آن موافقت کرد. ولی پس از بلند شدن موج اعتراض مردم و بیستیا نی شان از دانشجویان ضرورانه سعی نمود که خود را حاکمی دانشجویان جازده و حساب خود را از امثال بنی صدر جدا کند. جمهوری اسلامی که مثل اینکه بسادش رفته بود رهبران اش چه نظر و رایسی در درون "شورای انقلاب" داده اند، پیام ضرورانه ای به دانشجویان می فرستند و در طی آن میگویند: "شما که با ساینگی و ایثار در جاسوسی کفر حاکم بر آمریکا راجع گردید لارام است که استوار رو بسم آن در مناسبتل توطئه های رنگارنگ دفاع کرده و گروه گانه که در حقیقت در بازداشت است قرار دارند، همچنان نسبت مراقبت انقلابی خود داشته باشید." حزب

بقیه در صفحه ۹

نوروزتان ...

عسال امپریالیسم در عرصه های گوناگون بویژه ارتش به پیش میسرود ، کماکان ادامه داده و تا پیشروزی نهایی ادامه خواهد داشت . مردم ما با دیدرسالی که در پیش داریم ، با صفوف هرچه متحدتر ، برایین خواسته های اساسی پای بنفشان و همه مواضع را کتارزنند . با درود و تبریک به مبارزات به حق مردم بر علیه امپریالیسم آمریکا ، به استقبال مبارزاتی بس گسترده تر میرویم !

سال گذشته برای خلقهای ایران سالی خونبار بود . خلقهای دلاور کرد ، ترکمن ، عرب و ترک ، هریک به سهم خود زیر ضربات مرکبار دارودسته های مرتجع و ضد انقلابی ایکه بمنظور با زکردنیدن حکومت ارتجاع تلاش میکنند قرار گرفتند . ارتش و پاسداران به گردستان فرمان هجوم بردند و خلق دلاور کرد در برابر این بیورش ضد انقلابی به جنگ مقاومتی بزرگ رو آورد و به قیمت خون صدها شهید و هزاران رخصی از دستاوردهایش حفاظت کرد و هنوز نیز میکند . خلقهای دلاور ترکمن و عرب و ترک نیز هریک به سهم خود در درویشی با ضد انقلاب را آزمودند و شهیدان بسیاری برجای نهادند . هماین خلقها انتظار آبرو داشتند که در اولین سال پسین از پیروزی بر سلطنت پهلوی ، به حقوق اولیه شان ، از جمله حق تعیین سرنوشته و خود مختاری دست یابند ، اما چنین نشد و زمانیکه دارودسته های سازشکار و ضد انقلابی حکمرانی کنند ، چنین شیرین نخواهد شد . با درود و تبریک به مبارزات به حق این خلقها به استقبال مبارزاتی بس گسترده تر میرویم !

سال گذشته برای دهقانان زحمتکش ایران ، سالی پردستانورد بود . دهقانان زحمتکش ما که با لپا زیر یوغ نظام پیره کشی فئودالی و نیمه فئودالی رنج برده اند و سهمی بسزادر او زکونی بساط رژیم خودگامه پهلوی ایفاء کردند ، در سال گذشته به مبارزه خود جهت مصادره و تقسیم اراضی غصب شده مالکان بزرگ اراضی ادامه دادند و در بسیاری مناطق توانستند با ایجادشورا های دهقانی و مصادره و تقسیم اراضی فئودالها ، به

حق خود برسند و این مبارزه در ابتدا گسترده تری کماکان ادامه داده و تا پیروزی نهایی ادامه خواهد داشت . با درود و تبریک به مبارزات انقلابی دهقانان بی زمین و کم زمین ، به استقبال مبارزاتی بس گسترده تر میرویم !

سال گذشته برای طبقه کارگر شهرمان و تاربخا ز ایران ، سالی پر زحربود . کارگرانی که مستقیم و غیرمستقیم در سال گذشته بردامنه مبارزات خود آسرونده و در ایجاد مشکل های واقعی کارگری و مبارزه جهت کسب خواسته های اقتصادی و سیاسی خویش کوشیدند و کماکان نیز میکوشند . طبقه کارگر ایران خواهان شوراها و سندیکا های واقعی ، یک قانون دموکراتیک و انقلابی کار روح نظارت کارگری بر کلیه امور کارخانه و حقوق حقه خویش هستند و در شرایطی که خواهان مواضع اقتصادی فشارش را بیش از هرگسی بردوش این طبقه و سایر زحمتکشان بجا میکذارد ، این مبارزات رشد و گسترش هرچه بیشتری نیز خواهد یافت . با درود و تبریک به مبارزات طبقه کارگر ایران ، به استقبال مبارزاتی گسترده تر ، شکل آسین شروآکا هی هرچه بالاتر میرویم ، به امید آنکه طبقه کارگر ایران در برشو مبارزه انقلابی و اتحادش بتواند تشکیلات خاص خود ، حزب طبقه کارگر را بنا نهد !

سال قبل برای همه ملت ایران ، سال مبارزه برای آزادی و استقلال و دموکراسی بود و اقشار و بخش های مختلف خلق در سطوح مختلف مبارزه برای این خواسته ها را به پیش بردند و در برابر ارتجاع و امپریالیسم و همه نیروهای سازشکار و ضد انقلابی قرار گرفتند . بسا درود و تبریک به همه این مبارزات و با درود به شهیدان راه انقلاب به استقبال سال جدید میرویم و میگوئیم تا موفمان هر چه ضرورده ضرور پیروزی ها بسان هر چه ضرورده ضرور باشد . نوروزتان پیروز باد !

نکاتی ...  
شده توسط رضا اصغیان به شورای انقلاب داده که با توجه به بررسی های گه فیلا نمودیم ، موافقت مشروط خود را با آن اعلام کردیم . ولی این لایحه ، بجای آنکه قانون قبلی ارضی ( که در شهریور ماه گذشته در شورای انقلاب تصویب شد ) را جایگزین نماید ، خود بعنوان " اصلاحی بر

آن مورد تصویب قرار گرفته است . دهقانان میهن ما بویژه دهقانان فقیر و میان حال ، هیچ گونه وجهی مشترکی با آن قانون گذاری ( مصوبه شهریور ماه شورای انقلاب ) نداشته و با آن مخالف نموده و بر علیه اش به مبارزه برخاسته اند . آن قانون گذاری در همان زمان مورد مخالفت ما قرار گرفت . لایحه ارائه شده توسط اصغیان که در مقابل قانون ارضی مصوبه شورای انقلاب عرضه گردیده بود ، تا آنجا که مصادره زمینهای فئودالی را به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین در بر میگرفت ، مورد موافقت مشروط ما نیز قرار گرفت . ولی لایحه کنونی ارضی که با زنی ما بین دو لایحه ارضی مورد بررسی در چند ماه گذشته است ، بعنوان طرح ارضی در شرایط ادامه انقلاب دموکراتیک و ملی کنونی ، نمی تواند مورد موافقت مشروط انقلابیون و کمونیستهای میهن ما باشد . لایحه کنونی در موارد نسبتا مهمی نسبت به لایحه ارائه شده توسط اصغیان تغییر یافته است ، ولی مهم ترین تغییر همان است که این لایحه ، بعنوان " لایحه اصلاحیه قانون نحوه واگذاری واحیا ارضی مصوب ۵۸/۶/۲۵ " ( تاگیدارماست ) مورد تصویب قرار گرفته است . این اصلاح " ضد فئودالی در یک قانون فئودالی ، طبقه برای مدنی طولانی دوام نخواهد داشت و سیر مبارزه طبقاتی در مقیاس ملی و در صحنه روستا های میهن ما ، دیربازودا این یکی راهم در فراموشی بدهی آن وهم در عمل به نفع دیگری پس خواهد دره . و با در شرایط مناسب رشد نیروهای انقلابی ، طرح ارضی انقلابی کاملاً منطبق با انقلاب دموکراتیک و ملی به رهبری نیروهای انقلابی گمونیستی جایگزین خواهد نمود . در هر حال برخلاف نظریه رهبری حزب بوده ، که زمانه و تمایلات امپریالیستی ابر قدرت ضروری به مسائل انقلاب نگریسته و در این زمینه اظهار میکند که " تصویب طرح اصلاحات ارضی بنیادی شورای انقلاب یکی از پیروزی های بزرگ انقلاب ایران است . " ( تاگیدارماست ) ، نظر ما این است که این لایحه ، لایحه نمی بنیادی برای انقلاب ما نبوده و نیست . این لایحه از همان گام اول ، شیوه های استثمار فئودالی و نیمه فئودالی تصویب شده و در قانون شهریور ماه ما شد مزارع و امثالهم دست نخورده باقی میکذارد . در عین حال با تبصره های دوپهلوسیم راه

را برای هر تغییر در شرایط روستاها و مصوبه شهریور ماه به نفع فئودالها و ضرر دهقانان بازگذاشته است . و در نتیجه نمی تواند بعنوان طرح ارضی بنیادی هما نظیر که مورد دلخواه رویونیستها و ضد انقلابیون حشرب شده است ، مورد دلخواه کمونیستها و انقلابیون میهن ما باشد .

۲ - ولی در عین حال باید توجه داشت که در شرایط کنونی مبارزه طبقاتی در روستاها ( دست کم تا پیش از تشکیل رسمی شورای نگهبان و کابینه دولت بنی صدر و سایر تحولات در درون هیئت حاکمه ) ، آنجا ز این قانون جنبه عملی به خود گرفته است ، همین بخش اصلاحی آن و همانا مصادره زمینهای فئودالهاست . در نتیجه ابتدا ما تیکه بر علیه فئودالها بر مبنای این لایحه در شرایط کنونی صورت میگردد و آنجا تیکه مورد پشتیبانی دهقانان بی زمین و کم زمین میهن ما است ، در نتیجه میباید یستی مورد پشتیبانی انقلابیون و کمونیستهای میهن ما نیز باشد . بی جهت نیست که هنوز یک هفته از اعلام این لایحه توسط شورای انقلاب نگذشته است ، موج وسیعی از مخالفت توسط فئودالها و روستایان وابسته به آنان برخاسته است . اگر مخالفت با لایحه اصغیان ، ابتدا توسط فئودالها و روستایان و استان مرکز و سپس سایر فئودالهای مناطق دیگر ادامه در گرفت ، این بار موج مخالفت از جانب فئودالهای خراسان آغاز گشته است . این فئودالها مراجع تقلید خودشان را بر علیه این لایحه بسیج نموده اند . در خراسان آیت الله شیرازی و میرش به بنا شیدمشو دالها بلند میشوید . آیت الله قمی فتوای نا شرب مخالفت با تقسیم اراضی به فئودالهای خراسان داده و یک مرتبه نگران حال آیت الله خمینی گشته و سراسیمه دوان دوان ره سایر رهبران شده و با خمینی ملاقات میکند . او در مصاحبه های در تهران دومرتبه مخالفت خود را با تقسیم اراضی اعلام میکند . به همراه او آیت الله مرعشی در مشهد نیز در طی فتوای همسویی خود را با فئودالها نشان می دهد . موج مخالفت از خراسان به قم و تهران میرسد . آیت الله روحانی علنا مخالفت خود را با این لایحه اعلام داشته و تصویب هر نوع لایحه ای را این قبیل را مشروط به بنا شیدمراجع تقلید اعلام میکند . آیت الله مهدوی کنی عضو

# حقیقت

هتداری...

با تا کید بریرخی صفها و اشتباهات سیاسی این سازمان مانند نحوه برخورد و موضعگیری این سازمان در قبال سوسیال امپریالیسم روس مردم را علیه ایشان برانگیزند، از بایمی نینند، لیکن این فضاها نمینوانند توجیهی برای این ضعفها و اشتباهات سیاسی باشد. مصالح کلی مربوط به سرنوشته انقلاب در کشور ما ضرورت شناخت و آگاهی تودهها از دشمنان انقلاب و میهنشان و همچنین تفکیک دوستان و دشمنان شان در عرصه بین المللی، بالاتر از ممالح لحظه ای انقلاب و مصالح آنسی حرکت یک سازمان سیاسی در جامعه میباید. اگر امروز جلوی ضعفها و اشتباهات، که ممکن است تا شروس بر رود اوضاع بگذارد، گرفته نشود فردا میتواند به خطاهای مهلک سیاسی وحشی یک روندا جنساعی سؤز در کسل جامعه تبدیل شود و شرایط جدید جنبه های حادثه هلاکت بار برای مردم ما و انقلاب بزرگشان بخود بگذرد.

این امری متداول برای برخی سازمانهای انقلابی شده است که به بهانه عمده بودن امپریالیسم آمریکا و بطور کلی "غرب" در میان دشمنان انقلاب ما و میهن ما راهی برای پرده پوشی مواضع نادرست خویش در قبال امپریالیسم شوروی و بطور کلی "شرق" بیابند و تویحا هرگونه بحث راجع به این ایرفردت بجا نماند. به اصطلاح شرقی و نجا و زگرینایش را، و بیهر هر گونه تلاش ایجا دموکونیت سیاسی در آگاهی و ذهن تودهها در قبال آن، بعنوان رفتی درست غرب و همسوا شدن با دشمن اصلی یعنی آمریکا به لوت کشند و تخطئه کنند. این طسیرز تلقی از مسئله در واقع اندیشیدن در کار در رقابتها و کسبکنشهای ایسر قدرت و به حساب نیابور دن موضع و نقش مستقل و جداگانه تودهها و خلفیا در قبال آنها میباید.

مجاهدین خلق اخیرا در سمر مقاله "تشریح سیاسی خود (۱۴) اسفند ۵۸"، زیر عنوان "در مفهومیوم "استقلال"، با طرح و بحث درباره "شعار متداول شده" "نه شرقی، نه غربی"، گوش عجیبی دارند که این شعار را برای دوران مادرگادر

سیاست موازنه، منفی دکتر مصدق معنا کرده و از آن صرفا یک برداشت ناسیونالیستی به خواننده الهام کنند. عبارت ایشان از این شعار تنها یک "معنای انقلابی و مردمی" میتوان برداشت کرد، "که همچنان که در شکل کلمات بیداست اما سارز بعد معنی (و بعد مثبت) مطرح است و از حاصل دوفعی، سانسع و استقلال ملی را به اثبات میرساند." و این "تلقی مصدقی" در دوره، رما- داری مصدق میباشد که "تحت عنوان موازنه، منفی" از آن نام برده میشود. "ولی تشریح" مجاهد توجیه ندارد که تلقی مصدقی از این شعار در آن دوره لزوما به معنای مساوی قلمداد کردن انگلستان که دارای منافع استعماری در کشور ما بود و اتحاد شوروی، که صرف نظر از برخی اشتباهات تا کنونی در آن دوره هیچگونه تعامیلات استعماری نداشت، بود و در برده آن سیاست مماشات با امپریالیسم آمریکا توجیه میکشند. "موازنه، منفی" به معنای نفی همسوسیالیسم و هم استعمار امپریالیستی و از دیدگاه مصالح آتی ملی بود و به مصالح آتی ملی و همچنین سمت گیری عمومی جنبش توده امپریالیستی مردم ما در صف بندی نیروهای انقلاب و فدا انقلاب در عرصه جهانی توجیه نداشت. در نتیجه مصدق به مخالفت با فضا آذربایجان در کشور ما و همچنین به مخالفت با جنبشهای انقلابی خلفیای کره و چین که زیر رهبری کمونیستها بود برخاست. عبارت دیگر تلقی مصدقی از شعار "نه شرقی، نه غرب" یا سیاست "موازنه، منفی"، نه یک برداشت انقلابی "بلکه درست یک" موضع گیری میان دو بینا بین"، که نتیجه آن زلزله در قبال همان غرب بود، یعنی همان طرز تلقی از این شعار که شما به برخی "آقایان" - یعنی محافل انحمارطلب و محافظه کار حاکم- نسبت میدهند، معنای نداشت. در حالیکه امروزه با توجه به تحولات روی داده در جهان، ارمیان رفتن اردوی سوسیالیستی سابق و تبدیل شرق سوسیالیستی به شرق امپریالیستی جدید، "تلقی انقلابی و مردمی" از شعار "نه شرقی، نه غربی"، عبارت از مقایله با هر دو دسته بندی امپریالیستی غربی و شرقی وصف بندی با همه خلفیا و جنبشهایی است که برای آزادی خود از یوغ هر دو دسته، جدا امپریالیسم- ما یک غرب و جدا امپریالیسم ما یک

شرق، تلاش میورزند. هرگونه تلقی جز این به انحراف منجر میشود. ولی اشکال کار صرفا این نیست که میان برداشت دکتر مصدق از سیاست "موازنه، منفی" و "ادراک انقلابی و مردمی" از شعار "نه شرقی، نه غربی" یک علامت مساوی گذارده شود، که از لحاظ تاریخی نام صحیح است. ای کاش ایشان بر همان برداشت مصدقی از قضیه یا بیدار بودند، و ضمن نفی امپریالیسم آمریکا در کشور ما به نفی به اصطلاح کمونیسم شوروی نیز میپرداختند، چه به حال این کمونیسم کدائی عملا کمونیسم نبوده بلکه نسخه دیگری امپریالیسم است و ضربه به آن، صرف نظر از درک کوبیده، آن، ضربه ای بر یک امپریالیسم است. ولیسی دوستان مجاهد جنبش برداشتی از قضیه را هم ندارند، و در پشت این برداشتهای در عمل به تشریح و توجیه مواضع متزلزل خود در قبال اتحاد شوروی و شرق امپریالیستی پرداخته و از موضعگیری در قبال آن طفره می- روند.

نویسنده عزیز مجاهد می نویسد که عده ای "به بهانه تشریح از شرقی، امپریالیسم آمریکا را بیرون نمی آورند" و یا به هر کس هم که جد آ برای این خواسته مبارزه میکنند "مارک شرقی میزنند"، اینها همه درست و مدللعت به این گمان که خطر شرق را بهانه سازش با غرب کرده و جریانات کا ملا متفوت را با "مارک شرقی" میکوبند و به آرا آنها می- پردازند. اینکه میگوشیم "جریانات کا ملا متفاوت"، برای این است که برخی جریانها، مانند دارو دسته حزب توده، واقعا "شرقی" یعنی عامل همسایه شمالی، هستند و این مارک بهمان کا ملا میچسبند، ولی برخی محافل حاکم، که از مواضعی صرفا ضد کمونیستی و سازشکارانه حرکت میکنند، این مارک را وسیله ای برای کوبیدن مخالفان سازش کاری و اقدامات فدا انقلابی خود کرده اند. تا اینجا صحیح! لیکن نویسنده عزیز ما، و در واقع مجاهدین خلق، روشن نگردد و نمیخواهند بکنند که بالاخره از "شرق" هم، به حفظ مواضع قاطع در برابر امپریالیسم آمریکا، باید ترسید و یا خیر، در "شرق" ما با یک برده دوست داشتنی است که روبرو هستیم؟! تشریح "مجاهد" در این سرفاله خود از با سخکونی به این سلفه طفره رفته است!

"مجاهد" برای طفره رفتن از اشتباهات موضع صریح در این قضیه، به این استدلال متوسل میشود که "در یک لحظه نمیتواند دوتفا اصلی داشت، والا به دما هممان سیاستهای اکنسور بی اعتباری میافتم که با همه بوق و کرنا های به اصطلاح انقلابی! در چین نیز آزمایش شده است و آن تشریح مشهوره جهان و تزدوا امپریالیسم میباید چونان تکه برهمگان روشن است، سیاست دوتفا اصلی در آن واحد در حقیقت جزا جاده صاف کن چین، برای بیوتد با آمریکا نتیجه نداشت... والیخ "نویسنده" "مجاهد" مادر اینجا به روشنی مشغول توجیه و طفره رفتن است. زیرا اولاً اینکه تده و تفا اصلی در یک لحظه وجود ندارد چه ربطی به تعیین و تشخیص ماهیت این تضادها (جهاد اصلی با تده و فرعی) و اشتباهات موضع در قبال آنها دارد؟ آری تضاد با آمریکا در کشور ما اصلی است ولی تضاد با شوروی ماهیت متفوتی با تضاد با آمریکا نداشته و بنا بر این "سرس" از خطر آن، اگر بهانه نباشد، کا ملا مشروع است. تا نیا اینکه نمیتواند تده و تفا اصلی در یک لحظه وجود داشته باشد چه ربطی به دامهای چینی و یا تئوری مشهوره جهان دارد؟ جدا این دامهای چینی، دامهای سازش طبقاتی و صر سطر کردن از انقلاب به بهانه خطر جنگ است والا در ایس "تئوری مشهور" نیز عملا یک تضاد، یعنی تضاد با شوروی بعنوان تضاد اصلی قلمداد شده است. تا لقا قضیه دوتفا اصلی چه ربطی به "سرد و امپریالیسم" اگر منظور قائل شدن به وجود امپریالیسم شوروی در کنار امپریالیسم نوع غربی باشد دارد؟ اینکه در یک لحظه فقط یک تضاد اصلی موجود است، نافی این مسئله نیست که در همه لحظات بیش از یک امپریالیسم، و در اینجا دوا امپریالیسم، وجود دارد؛ چنانکه در کشور ما در هر زمان معین ملت با امپریالیسم و یا گروه بندی معینی را امپریالیستها بطور عمده درگیر کرده است، ولی در همان زمان امپریالیستها و یا گروه بندی های امپریالیستی دیگر نیز چه در عرصه جهانی چه کشور ما حضور داشته و اعلام خطر در باره آنها ضروری نبوده است. قضیه اصلی خیلی روشن است: دوستان مجاهد ما با پیش کشیدن قضیه "دوتفا اصلی"، وجود یکی از این دو "امپریالیسم"، یعنی امپریالیسم شوروی یا شوروی، را سر- بوش گذارند. بقیه در صفحه ۶

هنداری... از این امپریالیسم تلفیقی دیگری را بدست میدهند. این دوستان بایدند مادقا به دراشیات این گروه، فکری خود سخن گفته و استدلال کنند و نه آنکه برای ظفره رفتن از اینکا زبده بحث های فرعی فلسفی، که خودهم می دانند ربطی به موضوع نداشتند و صرفا بیجا نداشت، توسل جویند. این رسم صداقت نیست! نویسنده، مجاهد مابین این استدلالات تا کیانه مینویسد: "البته از هم عوا مفر بیان و کسانیکه ما هیجا جز در خط امپریالیسم آمریکا نمیتوانند بسیار به متبناستند این حرفهای ما را به شرق کراییی تعبیر نکنند." خدایعنت کند این عوامفریبان را! ولی چگونه میشود که ما را با این حرفهایتان در برابر "عوام" به "شرق کراییی" منجم نکرده. اگر میخواهید این اسکاتیا ما زوری شما برداشته شود، راهش ظفره رفتن و برخاستن به "عوامفریبان" نیست، بلکه پاسخ صریح و روشن سیاسی بدین سؤال است: آیا "شرق" گذاشی و امپریالیسم ما یک دارو در زمهره دشمنان خطرناک مردم ما و مردمان این دنیای تیره بخت و غارت شده هست یا نیست، حال میخواهد اصلی یا فرعی باشد، ظاهری خیرخواهانه در برابر ما بخود نیکبرد و یا ناخواستانه به حلفیهای همسایه ما تجاوز کند و سرزمین ما را بیه اشغال ارتش مزدور خود در آورد. آیا ما که با بزرگترین دشمن خود، امپریالیسم جنایتکار آمریکا شای، درگیر تیردی بزرگ هستیم، درباره سایر امپریالیستها و متخاصمان دربار امپریالیسم جنایتکار و زکرتوری نیرا علام خطر به مردم مظلوم خود، که بارها قربانی کشمکشها و سیرکتیهای قدرت امپریالیستی رقیب شده اند، میکنیم و همچنین از آن دسته از حلقیهای هم که برای آزادی خود از یوغ امپریالیسم نوحا ستمها بکار جارسید ربحن خون خود شده اند، دفاع می کنیم و آنها را هم مستر خود میدانیم یا خیر؟ مسئله خیلی روشن و صریح است!

میباشد و ما رزّه علیه "شرق" را به ما نه منازره ای علیه امپریالیسم به حساب نیاورند، زیرا قابل بهامیر - یالیتی بودن این "شرق" نمی باشد. در نتیجه یک منازره توان علیه غرب و شرق را هم جدا کتر نمیتوان یک منازره بین دو انتقادی، که غرب امپریالیستی و شرق کوپا عدا میریا - لیتی را با هم میگویند و در نتیجه عاقبت به جا ه غرب سرنگون میشود، به رسمت میماند. بنابراین دیگر آنان نمیتوانند حتی بیرو "سیاست موازنه منفی" و تلفیقی مزدقی در مخالفت با شرق و غرب هم باشند. برای نمونه مادر اینجا به تفاوت یکی از رهبران مجاهدین در سخنانی اش در دا نگاه تهران (سخنرانی "آینده انقلاب"، ۱۵ بهمن ماه)، می برداریم که در اینباره گفت: "حسی سفاک تر نمی، به غریبی این شعار درست به مفهوم منفی خودش در زمینه انسانی به معنای السقاط، یعنی یک چیزی از این و یک چیزی از آن را با هم قاطی نکنیم، ما نا طبعی کردن ما آخرین همه راه غرب خواهیم رفت. نظر سراسر این راهها با رهسادر ساریج بحرین شده، شعار ما بخوایم، حرف ما بخوایم، هست. ما عمل می - کیرو مسخره! و سراسر ما هم از پیش هری کیسجر سردر می آوری". بعیا - رت دیگر ما هد عزیز ما، که مراحتا نمی گوید منظورش از "بمفهوم منفی خودش به در زمینه انسانی" چیست، هیچ سخنرانی از این باب است - اسی کند که با نا بیگیری و عمل نا - مستمر سراسر ما هم ممکن است از پیش آندره کرومیکو سردر آوریم. سخنران البته ما باید منظورش از "معنای السقاط" از شعار رنر می، به غربی، را اینکده "یک چیزی از این و یک چیزی از آن را با هم قاطی کنیم"، السقاط میار دو راه سرمایه داری و سوسیالیسم باشد؛ چنانکه برای ذکر نمونه اشاره به تجربیات مصر و سوسیالی و ما بعد آنها میکند. لیکن اشکال کار آنست که سمت گیری و بلکه ایجا دروا - السقاط و استکی توان این کشورها را به "شرق" و "غرب" یعنی توان السقاط میان دوره، راه سرمایه داری و راه سوسیالیستی، تعبیر میکند. در حالیکه چنین تعبیری از ریشه خط بوده و ابسی السقاط دروا استکی وصف سدی با ذو ابفردت امپریالیستی رقیب هم می - با تدویطی به راه رند کشور طعمه شده دارد، راه همه این کشورها در واقع راه وابستگی به امپریالیسم بوده است. در اینجا دیگر ا طرح و بحث این ساله میگذریم که اصولا السقاطی میان

دوره رند سرمایه داری و سوسیالیستی (یا غیر سرمایه داری) در مالکیت یاد شده بهیج روجود نداشته و نمیتوانسته وجود داشته باشد و بلکه اینها همه سعا بیرو معقول روبرو نیستی برای جازدن راه رشد به حال سرمایه داری این کشورها بعنوان راه رند غیر سرمایه داری در صورت قبول طوق بندگی سوسیال - امپریالیسم روس و هم - دستی با عمال آن میباشد. برای همین هم هست که مجاهدین در همان سرمقاله پیش یا شده نثریه خود، غیر غم "ادراک انقلابی و مردمی" و "تلفیقی مزدقی" خود از شعار مسرورد بحث، اتحاد با شرق علیه غرب را هر چند نه یک راه ضواب و صحیح ولی نسبت به اتحاد یک "موضع گیری میانه و بینا - بینی ... در میان شرق و غرب" ا صلح میدانند، و می نویسند که این دسته دارای "موضع گیری میانه و بینا بین" که در میان شرق و غرب قرار گرفته اند "دقیقا بسود غرب" کار میکنند و مانع ریشه کن شدن کامل غرب میباشند، "با این تفاوت که حتی برخلاف برخی رژیمهای یعنی (که البته آنها هم سراسر ما به راه غرب میروند) موازنه مثبت میان غرب و شرق و باری قوی تر سیاسی، با کار ت شرق در مقابل ویر علیه غرب تیر، خودداری ورزیده، و پیش از پیش در خط غرب رفته اند". به عبارت دیگر، اگر چه این رژیمهای یعنی گذاشی هم سراسر ما به راه غرب میروند، ولی دست کم از سیاست های قوی تری در برابر رهبران غرب برخوردار بوده و با "کار ت شرق در مقابل و بر علیه غرب" به یک "بازی قوی تر سیاسی" متفولند. بدینسان نویسنده مجاهد عزیز ما با ریشه فرار گرفتن این رژیمهای از باری شرق و غرب، بعنوان باری این رژیمها با کار ت شرق علیه غرب تعبیر کرده و یکی از دو باز یکسر اصلی، یعنی "شرق" یا زوری را با رجه های کار ت باری این رژیمهای در ما شده و سو گرفتند و میگوید: "خیر! در اینجا این "شرق" است که دارا ر کار ت این رژیمهای کار ت "در مقابل و بر علیه غرب" باری میکند و خدا نکند که کشور ما هم به این باری شوم وارد شود. اینکه شما با آکا ها با صلح می بیدارید، بدتر است. ما به در میان شرق و غرب باید بنشینیم و به بدتر آنکه با شرق علیه غرب، بلکه با خطیها و ملتیشانی که علیه شرقی و غرب، علیه هر دو و برای آزادی خود از یوغ اسارت همه قدرتها و دولتیشانی امپریالیستی و مرتجع مساره می -

کند. در خاتمه اشاره میکنیم به موضع - گیری سانسف یا ریجا هدین خلق در باره جنبش انقلابی خلق افغانستان، که نتیجه منطقی همین ترلزول و یاد رست سزگو شیم برداشته انحرافی خطرناک اینان از ماهیت "شرق" و در واقع سوری و مقاصد سوا امپریالیستی این کشور میباشد. در نثریه "مجاهد" (۳۰ بهمن ماه ۱۳۵۸) در مقاله های درباره ساله افغانستان، تحلیلی ارزشمند میگرد که تلویحا جواب مثبتی برای شما و روحشانه اتحاد سوری به افغان - نشان قائل شده و برای ما بند دست - نشانه و ماهیتیشی حاکم در کابل یک نوع حقانیت و دارای نیات ترقی - خواهانه، که اهالی آن کشور از آن بی خبر ما نده اند (۱)، مضمود شده است. در "پارهای گزارشهای" رسیده بدست مجاهدین، که معلوم نیست از کجا رسیده، به جز اخباری حاکی از "همدستی ایران با مرتجعین مطلقه" بر سر ساله افغانستان، عملکرد "سر - نجمن و روسای قبایل تحت عنوان اسلام" و رسیدن سلاح و نفرات از ایران و پاکستان و آمریکا و غیره بدست این مرتجعین، و یا خیر "حمله مسترک آمریکا به پاکستان - چین برای اشغال افغانستان"، که گویا سوری را برای نجات این کشور از یوغ بیگانه به ارسال تیرو و داد شده و کدا، خسرهای دیگری موجود نیست. به زعم تحلیل گرنثریه "مجاهد"، اگر بطور اساسا تک و مقطعی به ورود تیروهای سوری به افغانستان نظر کنیم ممکن است عملکرد سوری را مثبت و مشروع تلقی کنیم و ستمها "بطور دراز مدت و با یک تحلیل دنیا - میکا" است که ساله کمی، آری فقط آنهم کمی، اشکال دارد. بقول خودشان با "یک تحلیل دسامک" فقط نمی توان از ارزیابی ساله درامی سر - گفت و بر آن سعا ما مجده نباید. یعنی با مقاداری نارمایتی بریخشی از نصیه میتوان مجده نباید! "مجاهد" حتی به صیحت و راهشانی با ندخاش حاکم در کابل سیر می نهند و گوئی که دو - لتی مترقی و مردمی، که صرفا در سیاست و سبک کار خود ما مردم دچار استباهاتی شده، طرف است، می - گوید: "دولت گویو اعما لسان سیر سها یک راه برای ما بیدار شدن و دعوی سیرویت دارد. عهده دار شدن دفاع کامل کشور از طریق با یگا ههای اعلامی مردمی (و شاید تشکیل دولت داعی و حداثی) که بدون بسیار نتیجه در صفحه ۹

## اخبار کارگری

۳ - پرداخت حقوق بهمن ماه و سودویزه  
۴ - تشکیل شورای واقعی

برای رسیدن به این خواسته‌های برحقمان، ما شاهد بودیم که تنها کارگران سایر کارخانه‌ها از ما پشتیبانی نمودند و ما نیز در این مبارزه با اتحاد همبستگی خود حمایت کارگران دیگر متکی بودیم و نما بیندگمان و راه‌ساخته‌ها "صنایع و معادن، وزارت بهداشت، وزارت کار" هیچکدام نه تنها به حمایت از ما برخاستند و جانب عمیدی را گرفته، بلکه سعی در پراکندن م و طبعی معمول "وعده سرخرمن" دادن کردند. در آخرین اطلاعیه، به مقامات مسئول هشدار دادیم که در صورت عدم توجه به خواسته‌هایمان دست به عمل شدیدتر خواهیم زد. آنجا که مف بکیا رجهی ما کارگران را دیدند، مجبور به عقب نشینی شدند. و در روز ۵۸/۱۲/۸ یعنی چهارمین روز تحصن با خواسته‌هایمان موافقت نمودند و تجدیدی برای اداره کارخانه تعیین گردید و فرار شد که شورای کارخانه بلافاصله تشکیل گردیده و یکی از نمایندگان در شورای سرپرستی هم شرکت داشته باشد. حقوق بهمن ماه و سودویزه نیز پرداخت گردد. دولتی شدن کارخانه موکول به تصمیم شورای کارگران و شورای سرپرستی گردید.

ما کارگران که نیاز مبرم مردم را به دارو احساس میکنیم، تصمیم گرفتیم که برای رساندن دارو به مردم، امرتولید را شروع نمائیم و همچنان پیگیرانما برای دولتی شدن کارخانه به مبارزه خود ادامه میدهیم.

مرکز برای میریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران ما بود با در سر راه داری و ایستاده به ما میریالیسم هر چه مستحکم‌تر با دارو بکیا رجهی کارگران

سندستالی  
قطعاً مدکارگان داروسازی عمیدی متحصن در وزارت بهداشت

# توطئه کارفرما در تعطیل کارخانه خنثی شد

خواهران و برادران!

بکیا رجهی کارخانه دویکیا رجهی ما کارگران بست سرمایه داران را لرزاند و شما می توطئه‌های کارفرما را نفس بر آب کرد. هما بطور که در اطلاعیه‌های شماره ۱ و ۲ نوشتیم ما کارگران داروسازی عمیدی از روز ۵۸/۱۲/۵ بدنبال تعطیلی کارخانه بدست سرمایه دار مزدور، در وزارت بهداشت متحصن شدیم و خواسته‌های خود را بدین شرح اعلام کردیم:

- ۱ - دایر شدن کارخانه
- ۲ - دولتی شدن کارخانه

کارگران داروسازی عمیدی  
۵۸/۱۲/۸

"بنا خدا"  
قطعاً به شماره ۳  
۵۸/۱۲/۱۲

# اتحاد شوراهای کارگران گیلان

بیرو قطعاً به شماره ۱ در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۱ و قطعاً به شماره ۲ در تاریخ ۵۸/۱۲/۸ و طبق نسبت مجمع عمومی اتحاد شوراهای گیلان در حضور اساتید گیلان آقای انصاری و نماینده ما موجهی از خبرنگاران رسانه‌های گروهی سوزیه را دیونولویزیون در تاریخ ۵۸/۱۲/۱۲ در کارخانه‌جات خا و وردشت بنا بر خواست اتحاد شوراهای گیلان با نا شدیدرا بکنه نیل اربان و رسانیدن خواسته‌ها به کوشش مقامات احراری و مسئولان منطقه دست به هیچگونه اقدامی نزنند تشکیل گردید. نتایج حاصل از این آخرین اقدام برای آگاه کردن مسئولان منطقه بدون هیچگونه نتیجه منتهی خاتمه یافت.

۱ - نماینده ما آقای لاهوتی خواستکارگران را با شهادت اربان و تمام نمایندگان و بنوارهایی موجود در اتحاد شوراهای خواست و سایر انقلابی خواننده و خواسته کارگران را معقول و انسانی و اسلامی دانستند.

۲ - آقای انصاری اساتید رگیلان با بیرون آوردن موجودات زجسات اظهار داشتند خواست مایک خواست صحیح و انقلابی و اسلامی است و خواستی است که از بطن نیاز زنده‌های کارگر در رابطه با تورم موجود در منطقه برخاسته است. لیکن ایشان ادعا دارند که نماینده مردم نیستند، بلکه صرفاً نماینده حکومت هستند بنا بر این با شدت خواهانند که مسئله صحیح ما کارگران به نتیجه مطلوب خود نرسد. ما در اطلاعیه آینده مسئله فوق و مناقشات در عمل و گفتار آقای انصاری را بوضوح نشان خواهیم داد. لذا ما کارگران و اتحاد شوراهای گیلان از تمام نموده‌ها و مسئولان منطقه می برسیم:

چگکی خواهان است با قضایای کردستان و ترکمن صحرا و منطقه جنوبی کشور در شمال تکرار گردد و جنگ و خونریزی ناخواسته به مردم این منطقه تحمیل گردد.

جرا و با کدما مین دلیل دست اندرکاران منطقه و مسئولان تا این اندازه به مسائل استان و به مجموعه بیش از ۲۵۰ هزار نفر کارگر و خانواده‌های آنان بی تفاوت هستند. اگر اساتید منطقه میدانند که حق با کارگران است و اقرا نیز می‌تواند بدجرا مدیران و هیئت مدیره را به جان کارگران و کارگران را

بدجان وزارت صنایع و معادن و وزارت صنایع و معادن را به جان وزارت کار و موراجتماعی می اندازد. لذا اتحاد شوراهای گیلان ضمن بخواست مدارک موجود در اتحاد شوراهای اعلام میدارد: از تاریخ ۵۸/۱۲/۱۴ کلیه کارخانجات دیل از خروج کالا جلوگیری بعمل می‌آورد. ضمناً چنانچه مشکلات عمران شده از جانب مسئولان پی گیری و رسیدگی نشود از روز چهارشنبه مورخ ۵۸/۱۲/۱۵ در کلیه کارخانجات مشروحه زیر که موافق را با زدن مهرتاشیا سموده اند، اعتصاب عمومی اعلام و چنانچه مسامحه‌کاری و عدم درک مسئولان مقامات مسئول ادامه می‌یابد تصمیمات مقتضی و شدیدتری اتخاذ خواهد شد.

# اعلامیه نمایندگان پرسنل نظامی

۵۸/۱۲/۵

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

با تائید رهبری امام امت و ناجی کبیرا ما خمینی و با سلام بکسب ملت شریف، مسلمان، رزمنده، شهیدان و نظامیان انقلابی همانگونه که آگاهستید و طی اطلاعیه های متعدد مکرر علت تحقق خود را به تفصیل بیان کرده ایم که صرفا به دلیل حسن تعهد و مسئولیت در قبال ملت رزمنده ایران بر علیه پادشاهان ضدمردمی و خدا سلامی ارتش که نمره ریشه های عقیدتی فاسد ارتش استثنای نا همتا می و بسته به امیرالیم آمریکا بوده است حرکت انقلابی خویش را شروع کرده و در جهت وحدت و انجام هر چه سریعتر حرکات انقلابی اسلامی میهنمان نظریات افشاگرانه و سازنده خود را اعلام کردیم تا همگان بدانند که دیگر به هیچ صورت داشتن یونیفورم نظامی را بر تن موجب جدائی از وطن ملت شجاع و مسلمان نمیدانیم و نخواهیم دادیم تا دست، لذا همانطوریکه اطلاع دارید در اسرع وقت هنگامیکه نماینده ملت، یعنی رئیس جمهور محبوبمان پیامی مبنی بر بیان دادن به شخص چند هزار نفری شما دادند، بلا درنگ علیرغم تمام میسرها و مشکلاتی که عوامل محرک و مغرض و مترجم از رسانه های گروهی انجام میدادند با زهد و مهمانمیت پیام ایشان را که همانا پیام ملت بودید بپذیریم و بنا به خواست شخص رئیس جمهور در نظرمان نبودن منتخب متخصصین نیز جهت انجام هرگونه همکاری در محل استقرار ایشان حاضر شدیم تا هر چه در دسترس ما بود بر مبنای عدل اسلامی که خواسته های متخصصین بود رسیدگی و نتیجه را به اطلاع ملت شریف ایران و پرسنل مبارز و انقلابی نیروهای مسلح برسانیم، اما؟؟؟؟!!!

مطلع شدیم که در حین مذاکرات از طرف فرماندهان نیروها و نیروهای مسلح (هواپیما، دریایی، زمینی) و قوای انتظامی دستور داده شده است که بصورت قبلی محرمانه و اقدام سریع اساسی کلیه پرسنل متخصص را مریضا به مستاد مشترک ارتش و اداره دوم گزارش نموده تا در مورد برکناری از خدمت آنان اقدام کرد که کسب لیسنا تهیه و هم اکنون ارسال شده است در صورتیکه پس از اراکند مدارک به جمهور ریاست جمهوری و فرمانده کل قوای ارتش در اولین پیام پس از مذاکره با نمایندگان اظهار دادند:

- ۱- تصحیفات که در مدت کمترین ارتش ما حدود ۷۵۰ نفر را شامل میشود، مشخص می کنند که فرصت بررسی و مطالبه نداشته و بر اساس غرض و مرض بوده است و نمی توانند ملایک قرار بگیرد، لذا من بدست مشترک دستور دادم این شخصه کان لم یکن اعلام و بر مبنای معیارهای صحیح اسلامی نبوده و مجددا تحت بررسی و از دید بخش اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.
- ۲- بخش ما در راه مشترک مبنی برسانایی پرسنل متخصصان قادر برش بوده و جای نگرانی نیست.
- ۳- تجدید سازمان ارتش بر با طریقی که در دست اقدام است با همکاری پرسنل دلسوز و انقلابی در کمترین زمان به مرحله اجرا در خواهد آمد و در حین تکمیل و مردمی کوفت ارتش جمهوری اسلامی و بالا بردن کارائی عملیاتی آن برای خدمتگزارانی با اسلام و مملکت سازی کسری میشود، صما انا چه کردیم، که گروه ما سنگین در کسب نظامی مستعد در ریاست جمهوری شرکت و با ایشان در جهت تجدید سازمان ارتش همکاری نمائید.

بنابراین با در نظر گرفتن مفاد اظهارات جناب آقای رئیس جمهور و فرمانده کل قوا ما نمایندگان متخصصین به کلیه پرسنل که به ناحق از خدمت ما دانا به خود برکنار شده اند اعلام میدارم هر چه سریعتر خود را به کان های

تا بعد معرفی و با اخلاص ایمان تمام، شروع به خدمت نمایند و تمامی کارائی تخصص خود را مانند گذشته در خدمت اسلام و ملت بکار گیرند.

از بر سنل انقلابی و مسلمان ارتش میخواهیم که بنا به اظهارات ریاست جمهور مبتنی بر طبعی کردن بخشها همه در راه ارتش است مشترک نسبت به لیسنا اساسی پرسنل متخصص و (س-ج) هائی که انجام نمیکرد هیچگونه واکنش نشان ندادند و با وحدت اسلامی کارهای با بسته ارتش جمهوری اسلامی را بنا بر ما برسانند و بدانند، که اگر نطق نگرام تصفیه های نابحق پرسنل نظامی که شخص ریاست جمهور دستور لغو آنرا داده اند به یگانها ابلاغ نشده صرفا در شرکتها ریجائی تعمدهی فرماندهان ورده های نظامی زیربط و مسئول می باشد که در گذشته هم برای این نارضا یی ها دامن زده اند.

اکنون با ردیگر ما تا کید و اصرار رسمی و رژیم که پیروزی اسلام و مسلمین در وحدت کلمه و قدم گذاردن در راه الهی است، کداتسان را مجاب می سازد تا از همه تعلقات و وابستگیهای خود در این مسیر گذشته و جز به حق و حقیقت و عدالت و حاکمیت الهی نماندند و در این روند همچنان به حرکت خویش ادامه دهند.

پیروز مستحکم با دو خدمت تمام می مستضعفین و نظامیان محروم ارتش، ما بود با دلکبه و وابستگیهای امیرالیمستی و استثنای و عوامل سرسپردگان

نمایندگان پرسنل نظامی محصل در مسجد دانشگاه شیراز یکشنبه پنجم اسفند ماه ۱۳۵۸

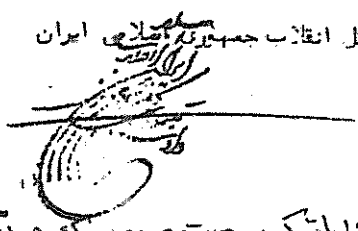
تاریخ ۸/۱۲/۵۸ هـ. ش  
شماره ۲۱۴

دادستانی کل  
انقلاب جمهوری اسلامی ایران

برادر احمد شکری

بموجب این حکم شما مورثان داد میشود تا اموال منقول و غیر منقول سرمنش محمد تقی نورانی را بررسی نموده ضمن صورتبندی اقدامات لازم را جهت حفاظت آنها تا اطلاع ثانوی بعمل آورده و نتیجه را به دادستانی گزارش نمایند.

دادستان کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران



این سند پامخ به اتهاماتی که در جهت صدور حکم و خیر اعمال حقوقی از طرف آقای محمدرضا شیری در پیرویه در پیرویه ما گروهی در برابر ما نمایند درجه داران (شکری) اظهار کرده است، و نشان میدهد که برادر شکری مجبور قانونی برای رسیدگی به امور حقوقی جدا داشته است.

نمایندگان درجه داران



# حقیقت

هنداری...  
 به حضور سربازان شوروی هم از سبب  
 امیرالینسکی برخواهد آمد و هم از سبب  
 سرگردگان ارتجاع داخلی !!!  
 ایست نتیجه، منطقی انحراف  
 جدی و خطرناکی که مجاهدین خلق  
 بدان دچار می‌شوند. خدا نکند  
 ایران، افغانستان شود در نتیجه  
 مجاهدین عزیز ما به آرمین این  
 نصایح خطرناک خود کشیده شوند. این  
 چه مصیبت بزرگیست که برای برخی  
 از همراهان این مردم مظلوم، که  
 راه آزادی آنها را میخواهند و میخواهند  
 نشان دهند، آنجا که سرباز سوری سرق  
 به صدا کشیده شده بر سر مردم ترومنی  
 با ردجای ارتجاع و انقلاب، دوست  
 و دشمن، خودی و بیگانه، ناگهان  
 عوض می‌شود و بیخیزی بی مورد "اسنا"  
 نیک و "و دنیا نیک" فلسفی دیگر  
 بیس کشیده می‌شود. آیا سردوران  
 جیره خوار دربارا هر ناشی و عهدستان  
 داوودخان دیکناتور، که طوق بند  
 ثی استعمار روحی روس را بر کمر کرده  
 خود انداخته و تا یک و نوب شوای  
 انحال کرده و هر ارض مردم رنج دیده  
 افغان را به خاک و خون کشیده اند،  
 قصد "دناج ارکسور" را دارند و باید  
 برای حفظ "مروعت" کذاشی خود  
 "باید ارمادن" دستگاه سادو  
 آدمکی خود دولت واقعی وحدت  
 خلقی "تکلیف دهند؟ تا کدام  
 خلق؟! آیا مصیبت و ما به ناموس و  
 خم نیست که شما به خلق سلجوقی،  
 که از سیروجوان، زن و مرد و ار همه  
 طبقات مردم و طوایف و ملکیها برای  
 آزادی کشور خود و برانداختن حکومت  
 دست نمانده، انحال لکران مهر ما سه  
 می‌روند، مارگ ارتجاعی می‌کشند  
 و بحاطر "بارهای کرارینها" که  
 حاکی ارتلاش برخی محافل امریاء  
 لیستی و ارتجاعی برای بشود در  
 چنین صلحانه مردم انحال است  
 است، ما هیئت اعلی و کلیت تمام  
 حق طلبانه، یک ملت مظلوم را بر سر  
 سوال می‌کشند؟ چرا محاندس عزیز،  
 که طی سالیهای ساد احماسی محمد  
 رضا ساهی از سر اسیران کسرتارین  
 سینه دیده و بسیاری سنگلاخ خود، که  
 امروز بسیار هم کشیده و سرامکانات  
 شده اند، حیرت گیرند، سری به  
 افغانسان می رسید که و مساج

آنجا را از نزدیک و از طریق گزارش  
 راویان خودشان مورد بررسی قرار  
 داده و حقیقت حکومت نعل عام و وحشی  
 کری جکمیوسان شوروی را که بسام  
 سوسالیم به غارت و کشتار طبقه  
 برحاسته اند، ملاحظه کنند، تا  
 احتیاجی به استناد به "بیاره ای  
 گزارشی" معلوم الحال نباشد.  
 در اینجا به حرفهای خود  
 پایان می‌دهیم و در باره این  
 انحراف خطرناکی که "مجا  
 هدین خلق" بدان دچار گشته و بسا  
 برداشته انحرافی و فضاوت دورادور  
 غلط از یک واقعیت رست و به رسوائی  
 کشیده شده، دنیای معاصر، یعنی  
 تبدیل شری سوسالیمستی دیروز  
 به یک قدرت و بلکه یک دسته بندی  
 سخت خطرناک امیرالینستی و  
 ارتجاعی، به استنتاجات و برخی  
 جهت گیری های ما هیئت خطرناک  
 رسیده اند، به همه، مجاهدین و همه  
 آنها تیکه به نظراتی ما به با ایشان  
 در این زمینه می‌نماید که شده اند  
 میدیم، امید است که فریادمانتری  
 کرده باشد.

نگاهی...  
 شورای انقلاب و شورای سنجیمان در  
 نماز جمعه ۱۷ اسفند، بحثی درونی  
 شورای انقلاب را به خارج گشوده و  
 نا آنجا که می‌گوید این لایحه مورد  
 تصویب شورای انقلاب نیست! دامن  
 مخالفت های متداولی با زهم گسترش  
 سینتری به خود گرفته و در مانیکه  
 این سطور را می نویسیم وعده سر آن  
 است که متداولها و یاد دستان در  
 وزارت کشاورزی جمع نموده و شخص  
 نمایند!  
 تصویب لایحه در شرایط کنونی  
 حتی بصورت مطلق، این، سعادتمانی  
 در روساها را دامن رده و آنرا عمیق  
 سینتری می بخشد. در عین حال درک  
 و صاحب دهقانان را از مسئله هیئت  
 خاکمه و روحانیون و ایستند بنسب  
 دالیا بالا برده و آن را اسیرای  
 تصادف های طبقاتی سرک تری آماده  
 میکند. مصافحاتی که با آمدن نیاز  
 مسئله برداشت محصول، در شرایط  
 انحرافی روسا های ایران، کاملا  
 اجناس با بیخ خواهد بود. صادر  
 اینجا شخص نگا به ساعت ورزیده  
 و در ساردهای آسوده محملا لایحه  
 نویسی گسویی و شرابی که منجر به  
 تصویب آن شده را بررسی خواهیم  
 نمود.

مبارزه ضد امیرالینستی...  
 جمهوری اسلامی که رهبرانش با تحویل  
 ثروکات نهاده "شورای انقلاب" موا  
 وقت کردند در ظاهریه و دانشجویان  
 میگوید که روکا نیا را نکند از دست  
 ظاهرو برای کسب آبروی از دست  
 رفته زدا دانشجویان حمایت میکنند،  
 ولی در پس پرده و در درون جلسه  
 "شورای انقلاب" بر علیه آنها  
 توطئه می چینند.  
 حرب جمهوری اسلامی فقط می  
 خواهد آبرویی کسب کند، در حالیکه  
 سیاستن اصلا عوض نشده است. در  
 انشای همان پیام کذائی میگوید:  
 "با توجه به موقعیت حساس کنونی  
 که تمام اعمال آمریکا سعی در تضعیف  
 حکومت مرکزی، نگرارها جعه دوران  
 متحد دارند... وظیفه، تمام نیرو  
 های متحد و موسس به انقلاب است  
 که با رئیس جمهور منتخب ملت نهران  
 ایران و شورای انقلاب و سایر  
 ارگانهای انقلابی و دولتی کمال  
 همکاری و تشریک مساعی را بنمایند."  
 می بینید چه بارها کردند! از یک طرف  
 به دانشجویان می‌گویند، ثروکات نهاده  
 را نکند از دست، و از طرف دیگر می‌گویند  
 با "شورای انقلاب" و رئیس جمهور  
 همکاری کنید، یعنی اجازه دهید  
 کمیسیون تحقیق "با ثروکات نهاده  
 ملاقات کند. دعوی بین دانشجویان  
 میان و سازگار آن درون شورای بر سر  
 مسئله ملاقات "کمیسیون" با ثرو  
 کات نهاده، و حرب جمهوری اسلامی به  
 دانشجویان می‌گوید "با رئیس  
 جمهور و شورای انقلاب و سایر...  
 کمال همکاری و تشریک مساعی را بن  
 نمایند." این دودوره باری باید  
 افساء نمود. حرب جمهوری اسلامی و  
 رهبران بی آبروین را رکان نارش  
 کاری و "خط ارتباط با غرب"  
 میباشند.

دانشجوی خط امام...  
 بطور مستقیم و بدون اینها خط ساری  
 کاری و سازگار آن و "شورای  
 انقلاب" به ما که کشیده می‌شوند و  
 دستنویس امیرالینست آمریکا و  
 باوران سازگار آن اسنا، و طر  
 وحشی می‌شود. آبیاری رسد از درون  
 شارب تلکه اردون مردم بیرون  
 شارب سارها فریاد می‌دهند:  
 شورای سازگاری ما بود یا بنده  
 کرد: سازگار لیبرال با بود  
 است: دانشجویان کربسور  
 است: حبسی، حبسی بسا  
 خلق مانی، سازگار، سازگار  
 دشمن خلق مانی.  
 و این از آن دانشجویان مستقر در داخل  
 لایحه نویسی با جمعیت همدا شده و از  
 ملت ایران میخواهند که به حمایت  
 "خط امام" و طرد "خط سازگاری"  
 بر حریزند و توطئه نویسی آمریکا و سازش  
 کاران را که در وجود "کمیسیون

تحقیق "مجموعه ساداش" شده و بر  
 خواست محوری مناره، خودنگ  
 اسر داداشها خاش و سوال به معما  
 برده ملت میشد، تا کیدوا صرار  
 ورزند. دانشجویان متن معما حیای  
 را بخش کردند که به نومی "شورای  
 انقلاب" از بیخ آن از طریق صدا و  
 سیمای جمهوری اسلامی خودداری شده  
 بود. آنان برای نشان دادن مسیر  
 ضد امیرالینستی خود و موضع خویشی  
 دربار بر حرکت تازه "شورای انقلاب"  
 و امیرالینست آمریکا شاعرهای زیر  
 را شکرار می‌کردند:  
 شهیدان، شهیدان، راه شما راه  
 ماست، بجنگیم، بجنگیم، تا  
 خون دوری ماست، امیرالینست،  
 خونخوار همیشه دشمن ماست.  
 هفتاد هزار رکنش، صدها هزار رخصی  
 هرگز نپایداش، هرگز نپایدا  
 تسلیم، کمیسیون، کزولان جدا  
 از هم میباشند، وابستگی این دو  
 شکست ما میباشند.  
 و مردم نیز در جواب آنها پاسخ می  
 دادند:  
 دانشجوی خط امام حمایت می  
 کنیم، رفتن دانشجویان از لایحه  
 جا سوسی، پیروزی با شکست  
 پیروزی آمریکا است، لیبرال  
 سازگار افساء باید کردید، جا  
 سوسی آمریکا افساء اعدام باید کردید!  
 دانشجوی خط امام، ارتش بیست  
 میلیونی حمایت میکند.  
 جمعیت تا ساعتی پس از نیمه شب هنوز  
 در مقابل لایحه جا سوسی اجتماع کرده و  
 به دادن شعار می‌پرداخت در این موقع  
 اعلام شد، برای آنان که مقدور نیست  
 شب را بمانند، فردا صبح رود دوباره  
 در این محل حاضر شوند.

صحیح جمعی از مردم در مقابل جا  
 سخنانه بودند و سخنانها و بحثها همان  
 بودند که گذشتند آن بود. در درون لایحه  
 جا سوسی دانشجویان دست به راهیما  
 می زدند و خواندن سرودی، سر  
 رهبری آیت الله خمینی و مبارزه، مد  
 امیرالینستی و اینکه دشمن اصلی  
 آمریکا است تا نکند کردند. در حین  
 اجرای این برنامه بود که دوه کثروه  
 ۵۰۰ نفره با کمی بنتر که به دعوت  
 حرب مظلوم الحاح جمهوری اسلامی به  
 طرف دانشگاه تهران در حرکت بودند  
 به جلوی درب ساوخا ندر رسیدند و بسا  
 بی تقاضی مردم بودا دانشجویان داخل  
 جا سوخا ندر رو بر روی نمودند. چنانکه موتبی  
 که یکی از روحانیون رهبری کشنده  
 (احتمالا حجت الاسلام معما دیخواه) بر  
 بالای میسی بوس راهیما میان نسرار  
 داد و شروع به صحبت کرد جمعیت وی  
 را به سکوت دعوت کرد و به وی اعتراض  
 نمودند و وی مجبور شد سخنان خود را  
 قطع کند تا رود دانشجویان خانمه  
 بپذیرد. چنانچه اینجا بود که در سخنرانی  
 مردم کور به سخنی از شکرگزاری برای  
 امام بود و به حرفی درباره کمیسیون  
 شامین و گروههای ملحد حمله شد.  
 بر خلاف آنچه که در اخبار جمعه شب سخن  
 نمایان به بحاطر حیا است از دانشجویان  
 بیان از روی روی جا سوخا ندر می‌گردد.  
 ندوده به فکر مبارزه ضد امیرالینست  
 آمریکا بودند بلکه صرفا از روی اجبار  
 و برای نگانا های تمامه آبروی ریخته  
 شده خود به آنجا آمدند و بعد از حیا رفتن  
 لیبوزیون این خیر را بگونه ای بر  
 چند نمودند که کوشی اینان حمایت  
 کنندگان دانشجویان خط امام بوده اند  
 در حالیکه آبرویا سخنان حرب جمهوری  
 اسلامی "با آن جمعیت اندک و دیدیه  
 و یکیکه بسیار سخنانها می درباره ترا  
 فیک!! و خلق سلاح حمل می‌گردند که  
 حاکی از بی توجهی، کربسور در نهایت  
 ضدت با این حرکت ضد امیرالینستی  
 بود. اما مردم پیدا ردل و آکا که روز  
 و شب بر گرد لایحه جا سوسی حمله زده بودند  
 سخنانها می در دست بقدر صفحه ۱۴

# حقیقت

تقدی بر...

تقسیم شده، دربرابر یکدیگر مواضع متضاد میگیرند. رفقای "راهکار" که "صرفاً میباید در بخش از روحانیت میخوانست" سخنگوی بورژوازی ملی و خرده بورژوازی مانند (همان جا، ص ۱۵) اما توضیحی دربارها این حقیقت و تنها دان با برداشتی که از "روحانیت واحد" دارند، ما نمی دهند و حتی چنین ادعا میکنند که این حقیقت "موجب شکافی جدی در دستگاه روحانیت" (همانجا، ص ۱۵) شده است. اینک این شکاف تا چه حد "جدی" است بستگی به نظر رفقا از "جدیت" دارد. گمان نمیکنیم که دا زدن روحانی یا نفوذ او اعتباری چون شیخ فضل الله نوری، "توخی" بوده باشد. رفقای "راهکار" میگویند "نهنگامی که انقلاب مشروطیت جوانه میرد، روحانیت در مجموع از آن حمایت میکند. چرا که از سویی میخواهد قدرت مسود را در برابر سلطنت اسراییل بدو ارسوی دیگر بورژوازی یا زاهدوران رسیده ایران بخشایی از روحانیت را به طرف خود کشیده است." (همانجا، ص ۱۴). درجا لیگه نمیگویند که "دستگاه روحانیتی" که در وایت آنها ارتقودا لیسیم تقدیه میکنند و جو دیت اقتصاد ای ش بر با ما لکیت بر زمین و موقوفات و مالیات مذهبی (خصم و ذکات) است، نمیتوانند با بورژوازی، آنهم بورژوازی تازه بدوران رسیده ای که با بورژوازی احضاری دوران امپریالیسم شرق دارد و برخلاف این بورژوازی خواهان رشد و شکوفایی تولید و زمین برداشتن بندهای متداولی است. همراه کرده و دستگا ه سلطنت به مراتب منافع این "دستگاه روحانیت" را بهتر نمایانندگی میکند تا بورژوازی و بین بر حسب تعریفی که نمیکند از "دستگاه روحانیت" کرده اند، این حرکت هر چند هم که "تکلیف" نماید، نمی یا بیست صورت میگیرد. عامل دیگری آنکه صورت بدیورم، عامل دیگری مهمتری که "راهکار" از نظر دورنگ میباید، عامل امپریالیسم و استعمار و در نتیجه مبارزه ضد استعماری همه ملت ایران است. فتو دا لیا و سلطنت متحد امپریالیسم

بودند، حال آنکه دهفانان، کارگران، پیشهوران و بورژوازی نو- خاسته بر علیه آن بودند و این صف بندی به همین شکل در میان روحانیت بیون نیز همانطور که منبیا بیست انتکاس یافت.

"راهکار" میبوسد "واضع حمایت بخش ما مل توخیمی از روحانیت سیمه از انقلاب مشروطیت، در ما یون اساسی مشروطه، حق و سبوی برای روحانیت در نظر گرفته میشود، که در وایت حقیقی از همین ولایت میباید است که بورژوازی سیت میجو اد آن را رسمیت دهد." (همانجا، ص ۱۵). در اینجا نیز "راهکار" به تنهایی با راجا بیکه "روحانیت" بعنوان یک کل حرف میزند، بلکه تحلیل با درستی نیز از حق و سبوی روحانیت در دست میدهند. در انقلاب مشروطه، دو جریان مشروطه خواهی و مشروطه طلبی در میان روحانیت دربرابر یکدیگر قرار گرفتند. مشروطه طلبی خواهان لغو امتیازات شاه و تکیه بر مسا بیستگان ملت بود، درجا - لیگه مشروطه طلبی خواهان حفظ امتیازات شاه و اویا روحانیت یون هم - دست وی بود. ما یون اساسی انقلاب مشروطه، محصول بازی میان بورژوازی تجاری با ثنودال ها و سلطنت بود و از اینرو ما در این زمینه نیز تا هدمین بازی هستیم، از یکمولت تعیین کننده همه چیز است و از سوی دیگر شاه وجود دارد، از یکمولت نا نوکزاری هست و از سوی دیگر روحانیت یون هم این حق و سبوی را بر نفس قابل توجه در انقلاب مشروطه، بلکه در اساسی بها طریقی است که بر با ی این فانی و محصول انقلاب با کا مشروطه ایران را در بر گرفت و با لآخره حقه اش ساخت. "راهکار" همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم، در کنش های اجتماعی، طبقات را جستجو میکند و در نتیجه مجذب طوا هر میگردد. برای روحانیت در ما یون حق و توفاتل شده اند، پس این نشان میدهد که یک "دستگاه" روحانیت یون یکجا رجه در این گناکن سیم دانته و سراجا مهم خود را بصورت حی و نودریافت کرده است. درجا لیگه باید بگویند که این حق و سبوی "دستگاه روحانیت" بلکه برای آن نیروهای طبقاتی بوده که برای سیت دستگا ه حکم میرا تندند.

"راهکار" مبارزه روحانیت را بر سر مخالفت یا "عرفت" می دانند. مثلا در بررسی نقش روحانیت در

در انقلاب مشروطه می نویسند: "روحانیت دو این مخالفت را چگونه توجیه میکنند؟ بیون طرفدار سلطنت یا دماغ از کند، در واقع ادا مدهندگان همان مباح بورژوازی، در عین حال به طور روحانیونی بودند که در صدر مشروطه با خواهان در بر گیری زندگی عری یا خاستند، به همان ترتیب که نیرو در برابر زندگی مذهبی طرفیستاری های بورژوازی و خرده بورژوازی که میگویند "همانجا، ص ۱۶) ویا: "یکی بر علیه رضا خان (که مشروطه را نکند - از محورهای سیاست ما خان، عرفی مال کرده بود) برخاستند ادا مدهنده کردن زندگی است. سیاست عرفی همان سنت مبارزاتی انقلاب مشروطه سازی در سیم دیگنا سوری رضا خانی، بار دیگر روحانیت را آنکارا در برابر دولت قرار میدهد." (همانجا، ص ۱۶) را ببینید زیرا روحانیت را یک "دستگاه" بیسترا ما رکن نقل کردیم که "اگان حلقه مالکیت و سبوی است. اجتماعی را روسای جامعه از اسوا ع احساس ها و سبوی های ویژه، فکرو حیا ن سیمی سوسا ده است. مجموعه طبقه ما ما یون روسا را بر پایه روابط مادی خود و ما سبب است. بی و اسیمان ایجاد میکنند و اسان سبب میدهد. هر چند که این سبب عوا مل را بر حسب سبب یا اثر او سبب گن میگوید، ممکنست سبب گن گن ما - سی واقعی و سبب: عملیات او سبب عوا مل سبب: ۱۸ سبب و ما - راهکار" نیز همین کار را انجام میدهد. رضا خان سخا است، زندگی را عرفی کند و روحانیت با عرفی کردن زندگی مخالف بود و پس میان روحانیت و رضا خان تضاد پیدا میشود و این تضاد روحانیت را به مردم نزدیکتر میکند. آن روحانی که در آن سالها بر علیه رضا خان برخاسته است، به هیچ وجه در این مورد با "راهکار" تضاد ندارد. هدا شت، زیرا او نیز آنچه را از راه سنت و سببیت آموخته و بعنوان ضوابط زندگی این حساب میآورد، مبنای واقعی و مبداء فعالیت خود میبندد و در نتیجه تضادش را با رضا خان، تضاد میان این سنتها با ضوابط جدید رضا خانی می بیند. یک روحانی آزاد است، که آن دوره از تاریخ را چنین تعریف کند، لکن یک ما رکیست، اگر خواهان رکیست نماید، سببیت سوا ندتا همین سطح کنترل باید و سبب مبنای همان معیارها ش که روحانی بدیورم کمکنان تحلیل کرده، حرکت کند.

علاوه بر این در زمان سلطه رضا خانی، مخالفت وسیعی از جانب روحانیت یون بر علیه وی صورت گرفت، به همان ترتیبی که مخالفت وسیعی از جانب بورژوازی ملی و خرده بورژوازی نیز صورت گرفت. رضا خان با روش و جفا ق اینها را ساکت کرد و اکثر روحانیون نیز ایضا ساکت شدند. آن دسته هم که به مخالفت برخاستند، علی- مثلا در بررسی نقش روحانیت در

در مقاله ای زیر عنوان "تاکتیک کمونیستها و انتخابات و نشست در خط سوم" (روزندان، سال اول شماره ۳) درباره "تحریم" رفتار دم جمهوری اسلامی" میخوانیم "در اینجا ۳ صورت یکبار رجه طا هر کردید. تحریم بطور ارا گنده صورت گرفت، اما هر جا "تحریم" بود (نقطه اتحادیه کمونیستها در این تحریم شرکت نکرد) (ص ۴). اگر منظور رفقا از "اتحادیه کمونیستها" سازمان است، باید بگوئیم که سازمان ما به شهادت اعلامیه ها و ارکان مرکزی اش این "رفتار دم" را تحریم کرد و اگر رفقا به این اساسا رجه کنند، این حقیقت بر آنجا روشن خواهد شد و اگر منظور رفقا از "اتحادیه کمونیستها" گروهی است که در آن روزها زیر همین نام (بخش داخل) فعالیت میکرد و اعلامیه ای هم در تحریم این "رفتار دم" منتشر نکرد، باید بگوئیم که نام آن گروه، "اتحادیه انقلابی در راه آزادی کار" است و ارکانش نیز "رحمت" نام دارد و همه کسانی هم که با جنبش ما آشنا شای دارند از این مسئله مطلع هستند. پس ضروری است وقتی امروز دا رید درباره گذشته تفکرات می کنید، هر نیرو را با ما می که دا رینا میدنسا ابها می بوجود نیاید. امیدواریم که این اشتباه صرفا ناشی از بی- اطلاعی بوده باشد و سبب جز دیگر اینها همدا را بندها شترین اصول ما نیست دا ری سیاسی میباشند.

## ادامه دارد

# نکته: رفقای رزمندگان قابل توجه

در شماره ۳ "رزمندگان" در مقاله ای زیر عنوان "تاکتیک کمونیستها و انتخابات و نشست در خط سوم" (روزندان، سال اول شماره ۳) درباره "تحریم" رفتار دم جمهوری اسلامی" میخوانیم "در اینجا ۳ صورت یکبار رجه طا هر کردید. تحریم بطور ارا گنده صورت گرفت، اما هر جا "تحریم" بود (نقطه اتحادیه کمونیستها در این تحریم شرکت نکرد) (ص ۴). اگر منظور رفقا از "اتحادیه کمونیستها" سازمان است، باید بگوئیم که سازمان ما به شهادت اعلامیه ها و ارکان مرکزی اش این "رفتار دم" را تحریم کرد و اگر رفقا به این اساسا رجه کنند، این حقیقت بر آنجا روشن خواهد شد و اگر منظور رفقا از "اتحادیه کمونیستها" گروهی است که در آن روزها زیر همین نام (بخش داخل) فعالیت میکرد و اعلامیه ای هم در تحریم این "رفتار دم" منتشر نکرد، باید بگوئیم که نام آن گروه، "اتحادیه انقلابی در راه آزادی کار" است و ارکانش نیز "رحمت" نام دارد و همه کسانی هم که با جنبش ما آشنا شای دارند از این مسئله مطلع هستند. پس ضروری است وقتی امروز دا رید درباره گذشته تفکرات می کنید، هر نیرو را با ما می که دا رینا میدنسا ابها می بوجود نیاید. امیدواریم که این اشتباه صرفا ناشی از بی- اطلاعی بوده باشد و سبب جز دیگر اینها همدا را بندها شترین اصول ما نیست دا ری سیاسی میباشند.

تقدی بر...

مولده، یک جا معیا مناسبات تولیدی  
جا کم برجا معودر نتیجه با طبقه مسلط  
براین مناسبات در تضاد می افتند ،  
عصرا انقلاب اجتماعی فراهم میسرند ،  
مبارزه ای که در زیربنای جا مع میان  
این نیروهای مولده با مناسبات  
تولیدی جا کم و نیروهای مدافع آن  
مناسبات در میکیر در رو بنای سیاسی  
و فرهنگی وایدئولوژیک جا مع ، به  
شکل مبارزه میان بنیادهای فکری  
طبقه جا کم و بنیادهای فکری طبقه ای  
که بر علیه این نیروها بر خاسته است  
تیلور می یابد " موجودیت ایده های  
انقلابی در یک دوره معین ، با طری  
وجود یک طبقه انقلابی است . " ( ما -  
رکس وانگلس ، همانجا ) . طبقه ای  
که ، طبقه جا کم و مناسبات جا کم را  
سرتگون میکند ، در عین حال سلطه  
فکری این طبقه را نیز سرتگون می-  
سازد و به سزا در بر قرار کردن مناسبات  
جدید تولیدی در زیر بنا مناسبات  
فکری جدیدی که مدافع این مناسبات  
زیربنائی هستند در رو بنای جا کم  
میکردند . از میان همه طبقات  
اجتماعی ، تنها طبقه کار خراست  
که به ما نریا لیسیم دیا لکتیک مسلح  
بوده و با غلبه خود این جهان بینی  
را جا کم میکردند ، در حالی که سایر  
طبقات اجتماعی ، بر اساس جا یکاهی  
که در روابط تولیدی اشغال میکنند ،  
کرچه در زمان انقلاب بقول ارا نسی  
از لحاظ عینی ما نریا لیتی حرکت  
میکند ، لاکس ، انعکاس این حرکت  
را بشکل ایده ها و افکار ایده آلیستی  
متعکس می نمایند . از اینرو همه  
جنبشهای اجتماعی ما قبل عصر  
انقلابات پرولتری ، بر لئوی مذهب ،  
دین و فرقه های مختلف مذهبی ظهور  
کرده ، در عرصه رو بنای جا مع به  
جنگ سایر مذاهب ، ادیان و فرقه های  
مذهبی میروند و همچنین مبارزات  
مستقل همه طبقات غیر پرولتری  
عموما به زیر این قبیل یوتنیها  
انجام میکیرد . اسلام ، بعنوان یک  
دین جدید ، توجیه کر حرکت نیروهای  
بود که میخواهند مناسبات و عیوه  
تولیدی غالب بر عربستان را دگر-  
گون کنند . عربستان در زمان ظهور  
اسلام جا معی بوده عیوه سزده ای و  
قبیله ای و برده داری و در آستانه

ندار به مرحله نشود الیس متمرکز  
دونیرو در این جا مع در مقابل یک  
دیگر قرار گرفتند ، یکی نیروهای  
مدافع نظام غالب بر عربستان و  
دیگری نیروهای که خواهان دگر-  
گونی این مناسبات بودند . این  
مبارزه زیربنائی ، در رو بنای  
فکری جا مع بشکل مبارزه میان یکنا-  
پرستی و بت پرستی ، بتکل مبارزه  
میان قوانین اجتماعی اسلام ، بنا  
قوانین اجتماعی بت پرستی ظاهر  
گشت . پیروزی اسلام ، صرفا پیروزی  
یک عقیده نبود ، بلکه آرایا پسند  
اساس پیروزی نیروهای تولیدی  
جدید داشت که از طبقه جا مع  
عربستان ظاهر شد ، آنرا بسمت یک  
جا مع فئودالی متمرکز سوق میداد  
ند . ( نظردیگری هم در مورد ایننگه  
اسلام رو بنای عقیدتی حرکت چ-  
فتری بوده موجود است که بطور فشرده  
از طرف بطروشفسکی در کتاب " اسلام  
در ایران " بدان اشاره شده است .  
ولی در ما هیت بحث ما تغییر حاصل  
نمی کند ) .  
گفتیم که در آغاز اسلام ، آنچه  
امروز بعنوان دستگاها جا مع  
روحا نیت وجود دارد وجود نداشت . در  
آن زمان تقسیم اجتماعی کاربشکلی  
که بعدها تکامل یافت وجود نداشت  
و در راس هرم حکومتی ، جا کم ، جا کم  
ترع نیز بوده ، انتقال اسلام به  
کشورهای که از لحاظ مناسبات تول-  
یدی جا کم پیشرفته تر از عربستان  
آن زمان بودند ( چون ایسران )  
و همچنین رشد مناسبات تولیدی در  
خود عربستان ، تقسیم اجتماعی کار  
کسترده تری که لازمه اش جدائی میان  
کاریدی و کار فکری است بوجود می-  
آید و در بر تو همین تقسیم اجتماع  
کار ، دستگاها بنا م روحا نیت ، که  
اعرا معاش خویش را از طریق شخصی  
در ا مور فکری جا مع به پیش میبرند ،  
شکل گرفته بوجود میآید . بشکل  
مارکس وانگلس ، " تقسیم اجتماع  
کار ... در ضعه جا کم بر ششگسل  
تقسیم گزیدی و فکری تیلور مییابد ،  
بدین ترتیب که در درون این طبقه ،  
یک بخش بصورت منفکری طبقه ظاهر  
میکردند ( ایدئولوژیهای معیالاس  
که امری معنی گردن سوخماس طبقه  
رادرها ره خودس معوان وسیله  
اطلی اعرا معاش بر میگزیسند ) ،  
در حالی که بطرح دگر سرت سزده  
عفا ید و عومات بنی سزیا سیور مصرع  
کسده است ، بر آسها در حقیقت  
انصاء معال این طبقه بوده و کمیسر  
ومت برای سزم کردن عفا ید و عومات

در راه خودشان را دارند . در میان  
این طبقه ، این جدائی میتواند به  
مخالفت و مبارزه معینی میان این  
دو بخش منجر شود ، مخالفت و مبارزه-  
ای که در یک بر خور عقلی ، رمانیکه  
خود طبقه به خطر افتاده باشد ، بطور  
اتوماتیک به هیچ سزل می یابد و  
بدین ترتیب این ایده که عفا ید  
جا کم ، عفا ید طبقه جا کم نیست  
دارای قدرتی جدا از قدرت ایس  
طبقه بوده اند نیز محسوس گردد .  
( مارکس وانگلس ، ایدئولوژی  
آلمانی ) .  
روحا نیتی که در ارایا سرت  
تقسیم اجتماعی کار بوجود میآید ،  
در عین اینکه نقش ایدئولوژیهای  
طبقه جا کم را ایفا میکند ، خود  
دستخوش تغییر و تبدیلات و تحولات  
متعددی است که از طبقه جا مع  
بر خاسته ، بنا نگر مبارزه طبقه ای  
نیروهای متخاصم است . از آنجا  
بحث مشخص ما در مورد ایران و روحا  
نیت ایران و آنهم روحا نیت شیعه  
است ، با ید بر این جا مع متمرکز  
دهیم . اگر قبل هجوم اعراب به ایران  
و شیوع دین اسلام در این کشور ،  
روحا نیت رشتی ، بدرستی نقش  
همین ایدئولوژیهای طبقه جا کم و یا-  
دهاها را ایفا میکردند در زمین  
رودر هم دستی با پادشاهان بر علیه  
هر قبا مگری ( چون مزدک ) بر می-  
خواستند ، با شکست طبقه جا کم در  
ایران و پیروزی اعراب ، نظام  
سیاسی حکومتی و روحا نیت مدافع  
آن نیز درهم ننگسته میخود و نیروهای  
جدیدی جایگزین آن میکردند .  
تضاد ایرانیان با اعراب متجاوز ،  
تضاد میان دهقانان و سلاطین و فئو-  
دالنها ، تضاد پیشه وران و نیروهای  
جا کم ، تضاد شهریورده و ... همه و همه ،  
انعکاس خود را بشکل جنبشهای  
اجتماعی که زیر لئوی دین و مذهب  
ویا برداشتهای کونا کون اردین و  
مذهب بالا گرفته ، تیلور می یابند ،  
همه این جنبشها نمی توانستند بر  
لئوای ، مکر لئوی مذهبی متعکس  
شوند . با ید و اساس شکل گیری مذهب  
شیعه در ایران و تحت تا ثیرشادهای  
یاد شده است . شیعه حرکتی است  
مترقی در مقابل طبقات اعراب و  
رها ئی ایرانیان از قید سلطه بیگانه  
نه جنس مستقل دهقانی و پیشه وری ،  
نمیتوانست ، جا کمیت سلاطین و  
حکام فئودال را از میان سزدارد ،  
زیرا این کار محتاج ظهور نیسروی  
جدیدی بنا م پرور واری میبشد . در  
نتیجه شیعه که از طبقه این تضادها

نقدی بر...

با یخا ه طبقاتی دولت کنونی ار سه بخش روحا نیت ، سرما یه متوسط ، سرما یه انحصاری تشکیل شده است . برای ما سرما به متوسط و سرما یه انحصاری از لحاظ طبقاتی قابل فهمست و میم که منظور برینا ایس است که از لحاظ طبقاتی بسوزروازی متوسط و بسوزروازی بزرگ انحصاری در این قدرت شریک هستند ، اما آنچه برایمان قابل فهم نیست ، مفهوم " روحا نیت " در کنایا بند و بسوزروازی طبقاتی است . گفته اند که وقتی می خوا هید که ما هیت و یا یگا ه طبقاتی دولتی را از بیایی کنید ، با ییدستان دهید که این دولت ، دولت چه طبقه طبقاتی است ، زیرا در یک جامعه طبقاتی همد چیز مبر طبقاتی خورده و بالاخره بیانگرمسایع طبقه خاصی است . از اینرو با بحال میبنداسنیم که در تحلیل طبقاتی از دولت ، باید نژوه سیدنیایی طبقاتی آراستان دا دومتلا گفت که بسوزروازی و خورده بسوزروازی و منودا لیا و غیره در ایس دولت سهیم اند و از این میان فلان طبقه حقوق دار و در دسترس ما هیست و مضمون دولت ، خورده بسوزروا شتی ، بسوزروا شتی یا فتودالی فتشودال - کمیرادوری و امثالهم است . اما بنا بحال نشنیده بودیم که در بررسی ما - هیت و یا یگا ه طبقاتی یک دولت ، نیروئی را کتا ر طبقات دیگر ردیف کنند که از لحاظ با یگا ه طبقاتی بی - چیره و یا ما فوق طبقات قرار داشته باشد . حتی مارکس در " ۱۸ برومر لوشی بنا یارت " ( که اینرورهما معلوم نیست به چه علت منبع نشوریک همه جورا انتفاظ و اندیشه های غیره مارکسیستی شده و هرکس میخواهد " بنوآوری " کند ، یک ردیف نقل قول از این اثر بر جسته تحویل ملت میدهد ) نیز در بررسی از با یگسایه طبقاتی بنا یارت ، ( که نمونه باب طبع " راه کارگر " است ) این با - یگا ه را مشخص تعریف کرده و متلا نمی گوید که ما هیت و یا یگا ه دولت فرانسه ، بسوزروازی ، ملاکان و بنا یارت نیست هاست . او با طرینان میبند که اگر چه بنا یارت به منظور فریب نوده ها ، سیاست ما نورمیان طبقات را اتحاد کرده است ، لاکس این ما نور ، وی را

بعنوان نیروئی ما فوق طبقات در - نیاورده و بلکه و نفا یسده صریح وی - چون و چرا ی بسوزروازی عدا فتلابی است که به منظور حفظ سلطه ، بسوزروازی بسد ما نورسیایی در میان طبقات دست بردها موعیت خویش را حکیم کردا بد .

انگلس در بسکتنا رهمنی انزیر رهمنی نکتد بسکل دیگری نا کید کرده میسود . بسد ، " مارکس برای محسن با ر ما سون سرتگ حرکت با ریح را گنست کرد که بسو حجاب آن هر ما رزه ، با ریحی اعم ؛ ما رزه در عرصه سیاسی ، مذهبی ، فلسفی یا در عرصه دیگرا بد ثولسود - ریک ، در واقعیتا بسر جبری صبر نمودا ر کم و بس روس ما رزه طبقات یا معنیست . " ( انگلس بسکتنا ر سرجاب سوم آلمانی انتر مارکس ) بیک کلام ما نیکه از تحلیل طبقاتی صحت به میان میآوریم ، با بد محتوای طبقاتی را تریخ کنیم و با ما نیکه میخواهیم آرا س طبقاتی جامعه و یا مفهوم طبقاتی مبارزه ، سیاسی میان نیرو های مختلف را تریخ کنیم ، با ییدستان دهیم که این مبارزه ( چه در عرصه سیاسی ، چه مذهبی و غیره ) نمودا ر مبارزه میان کد ام طبقات است . زیرا ه ما بطور که ما رکن بسر با طرینان کرده است ، " انگلس مخلط مالکیت و شرایط عمومی اجتماعی با روسای جامعه از انواع احساس ها و بسدا رها و شیوه های و بسره بسکرو جها ن بیسی بسوا بنده است . مجموع طبقه تمام این روسا را بسر با به شرایط مادی خود و سیاست اجتماعی و بسده آن ایجا دمیکند و بن آن شکل میدهد . هر چند اگاه ایگ این عوامل را بر حسب سبت با آراه بر سبت گسب میبند ممکنست تصور کنیم که سیاسی واقعی و بسدا ، معالیت او همین عوامل هستند . " ( مارکس ، ۱۸ برومر ، ص ۴۷ ) . ایسکه فلان آخوندیا جمع آخوندها ، در ظا هر به منظور دفاع از سبت ها و اعتقادات مذهبی تا ن فلان متوا با فرمان مذهبی را ما در میبند و فرمان فلان عمل را شروع یا غیر شروع میبند ، برای آنها ممکن است این عمل بطسور مستقیمی با منافع طبقاتی خاصی در جا معده بیوبندنا شده با ندومسدا - آزاد را آسمانیا جستجو کنند ، لاکس برای مارکسیستی که به ما شریا - لیسمدیا لکتیک و مبارزه طبقاتی با وردا رند ، مسئله اساسا بسکتسل دیگری قابل طرح است . آنها می - دا بند که " احساس ها و بسدا رها و شیوه های ویژه تفکرو جها ن بیسی " ، کر چه آراه " سنت و تربیت " بسه

این امر ا مذهبی رسیده و آنها بسر آزاد رهمنی حد خلاصه می بسا ییدند ، لاکس در حقیقت امر ، همه این بسدا رها و شیوه های ویژه تفکرو جها ن بیسی ، بسا نکر و بسا شتی هستند که خود محصول " اسکال مخلط مالکیت و شرایط هستی اجتماعی " میبندند . بسی اگر روحا نیون " سیاسی واقعی و بسدا ، معالیت " خود را در " شیوه های ویژه تفکرو جها ن بیسی " حویسست جستجو میبندند ، مارکسیست ها ایس سیاسی واقعی و بسدا ، معالیت را در بررسیای جامعه و بسیک کسلا م در مسایات و بسا رزه ، طبقاتی جستجو می بسا بسد و با بسا ن تحلیل خویش را به نرهما ن صورت روحا نیسبون بلکه بر بسای واقعی ما رزه طبقاتی استوار میگردا بسد . از اینرو آنها در تحلیل طبقاتی از ما هیت و یا یگا ه دولت ، به هیچ رو خودا جا زه نمی - بر هند که یک عامل رو بسا شتی که خود محصول عامل زیر بسا شتی و طبقاتی معینی است را در کنایا رد و عامل زیر بسا شتی ردیف کنند و با من هم بگذارند تحلیل طبقاتی از ما هیت دولت . این کار در نهایت چیزی نیست مگر فاطی کردن عوامل رو بسا شتی و زیر بسا شتی ، عوامل رو بسا شتی که در درختا صصا ت طبقاتی نقش دارند و ما دلالت سیاسی این طبقات عموما در بس بردده ، همین عوامل صورت میگردا ، اما هنجسایه بسا یید فرا موش کرده همه این عوامل ، از مذهب و فلسفه گرفته تا بر نسب های سیاسی ، هیچ نیستند ، مگر نموداری از مبارزه میان طبقات کونا کون .

رفقای " راه کارگر " با چنین تعریفی از ما هیت طبقاتی دولت ، در واقع یکی از بسدای تریس اصول ما رکیسم را بر بسا کدا رده اند . " راه کارگر " یگا " دستگاه روحا نیت " را بعنوان یک " ارمان سیاسی و ایدئولوژیک " ( همانجا ص ۳۲ ) قلمدا دمیکند و در جای دیگر آنرا بعنوان یک عنصر زیر بسا شتی در کتا ر سرما یه متوسط و سرما یه انحصاری فرار میدهند . البته تا یذا نظر آنها " دستگاه روحا نیت " با " روحا نیت " فرق میبند و " دستگاه " یک " ارمان سیاسی و ایدئولوژیک " است و " روحا نیت " یک عنصر زیر بسا شتی در حد سرما یه ، گفتیم تا بسد زیرا اینرا هر چه کنیم نتوانستیم بسا ییم ، اما اگر حتی چنین بسا ییم ، در اعل مطلب ترقی نمیبند ، زیرا جدا " دستگاه " وجهی " دستگاه " روحا نیت " تشکیلات " ارمان -

دهی یک عامل رو بسا شتی یعنی دیس و مذهب است .

## ۳- 'روحانیت' و 'راه کارگر'

" راه کارگر " در همه تحلیل - هایش ، " روحانیت " را بسدیده ای بکدست ، یکبار چه جدا از طبقات اجتماعی میدانده بعنوان یک " دستگاه " مستقل عمل کسره ، در مجموع خود در دوره ها و موارد کونا کون به نفع این یا آن طبقه اجتماعی موضع گیری میبندد . از اینرو در بی آست که به بسدای این " دستگاه " در شرایط کنونی به سمت چه طبقه ای موضع گیری کرده و حرکت می بماند . این اولین اختلاف ما در این مورد است . برخلاف برداشت " راه کارگر " ما روحا نیت را " دستگاه " یکبار چه بکدست نمی دانیم و در آن دسته بندی ها و تمایلات کونا کون طبقاتی را می - بسیم . ما برخلاف " راه کارگر " طبقات حا کمه و دولت را به " روحانیت " و " بسوزروازی متوسط " و " بسوزروازی انحصاری " تقسیم کرده ، بلکه در ترکیب دولت منافع طبقات کونا کون را جستجو می کنیم . اما قبل از آنکه بسوا هیم به نظرات " راه کارگر " در باره " روحا نیت بر حورده بسا شتم ضروری است تا بسا هی اجالی بسده همین روحا نیت و رسیده های تاریخی - طبقاتی آن بسعکنیم .

" روحانیت " بعنوان آنچه امروز وجود دار و موضح شده است ، یعنی یک دستگاه فلسفی ، تبلیغاتی ، اجرائی و ... عربی و وظیف در سال های نخست ظهور اسلام وجود داشته . همه عوامل رو بسا شتی از دین و مذهب گرفته تا تشکیلات های سیاسی و قضای و فرهنگی ، محصول مستقیم عوامل زیر بسا شتی یعنی شیوه و مسایات تو - لیدی میبند و از آن نشا ت میگردند . مارکس و انگلس میگویند ، " در هر دوره مکررات طبقه حا کمه ، ایگسار حا کمه میبند . یعنی آن طبقه ، که طبقه حا کمه است و مظهر بسروی مادی جامعه است ، در همان حال بسروی حا کمه روحی ها معنیبند " ( مارکس و انگلس ، ایدئولوژی آلمانی ) . طبقه انتمادی بسلید ، طبقه مسلط سیاسی و روحی جامعه بسرهست . طبقه ای که وسائل تولید مادی را در اختیار دارد و وسائل تولید فکری و روحی را نیز به خدمت میگرد و بر رو بسا شتی سیاسی و فرهنگی جامعه حکم میراند . زمانی که نیرو های

توطئه در توطئه .....  
جریکهای فدائی خلق و سازمان

آشاه گردودر ده سده دوم می توان از جریانی چون بیگار، زحمت، راه کارگر و روستاگان نام برد. مبارزه ایندولوپوزیک کسترده ای میان این دو دسته آغاز گردید که کما کما نیراده ها دارد. در جریان این مبارزه برخی نقطه نظرات انحرافی اصلاح شدت و اصلاح خودتغییل پیدا کردند لکن کما کما در اصل مطلب که مربوط به آرزوهای آزادی طلبانه ایست که حاکم و حکومتی بر خورده جریانات مختلف درون آن است، تغییری رخ نداده است.

بدینال فنار "شورای انقلاب" برداشته و این مستقر در لانه جاسوسی و کوشش برای تخریب سفارت از این دانشجویان و آزادی گروگانها، گمسه همگی قدمهایی برای جامعه عمل بونادن به مازنی است که "شورای انقلاب" ارمان آغاز در ندرارکن بوده است، با موع کثیری های جالبی در دستبندی دوم مواجه شده ایم. پس از انتشار اطلاعیه دانشجویان مبنی بر تخریب سفارت و تحویل گروگانها به "شورای انقلاب" جنس کسترده ای برای حمایت از دانشجویان و جلوگیری از این اقدام سرکرت. همان سرور در دانشگاه و همچنین برخی خیابانها ما شاهد یلاگا رده های با شعار "توطئه تخریب سفارت، توطئه آمریکا است" و "توطئه تخریب سفارت را درهم شکنیم" بودیم، که بجای خود شعارهایی درست و موقع بودند. اما آنچه تعجب آور است این بود که زیر برخی از این قبیل یلاگا رده های مضای "بیگار" و "راه کارگر" بچشم می خورد و همچنین اعلامیه های با همین مضامین از جانب این گروه ها و هواداران شان منتشر شد. سئوالی که در اینجا برای ما و مطمئنا بسیاری دیگران پیش آمده اینست: اگر اشغال جاسوخانه آمریکا یک "توطئه" برای تثبیت موقعیت هیئت حاکمه بود، پس تخریب آن دیگر چرا "توطئه" است. هم اشغال و هم تخریب سفارت هر دو "توطئه" اند؟ هیئت حاکمه یکبار برای "تثبیت" موقعیت خود و "تخریب" توطئه ها فرمان به اشغال سفارت می دهد و یکبار برای "تثبیت"

و تثبیت خود و ایضا "تخریب" توطئه ها، فرمان برای تخریب سفارت صادر میکند؟ این "توطئه" در "توطئه" را چگونه میتوان توضیح داد؟ "راه کارگر" بنا توضیح داده است. نوشته اند: "اشغال سفارت و گروگان گیری جاسوسان آمریکائی که مانعی همچون داروی شفا بخش برای بهبود بیماری اختلافات دروسی حکومت و برای حفظ یابکا توطئه های حکومت عمل کرده بود، اینک به خود می بدل شده و همچون طناب داری می ماند که کلوی حکومت را میسازد" "راه کارگر" شماره ۱۱۲. پس هیئت حاکمه دارویی برای خود تجویز کرده که در نهایت است بیماری را به هلاکت می رساند. در این صورت آیا آنهایی که خواهان هلاکت این بیمار هستند، نباید از این تجویز حمایت کنند و سهم خود مقدار هر چه بیشتری از این دارو را بخورد بیمار دهند تا از شرین راحت گردند؟ بعبارت دیگر اگر این داستان "راه کارگر" را باور کنیم، آیا نمی بایست از آنسها انتظار داشته باشیم که به منظور تکثیر کردن این "طناب دار" بر کل سوی حکومت، به حمایت از اشغال جاسوس خانه و مبارزه جدا میریالیستی برسند و عرصه را بر حکومت تنگ گردانند؟ آیا "بیگار" و "راه کارگر" حتی به تعمیر خودشان نرسیده است به خطا نرفتند اند؟

این رفتار با یک دوگانگی بزرگی روبرو شده اند. از یک سو اشغال سفارت و مبارزه جدا میریالیستی جاری را یک "توطئه" و "هیا هو" میدانند و نوشته شده مردم مریکب کنند در این مبارزات را جمعی میدانند که "دچار توهم اند" و وظیفه خود نمی میدانند که این "توهم" را از میان بردارند. پدیده آنها میان همدیگر های هیئت حاکمه است دانشجویان اشغال گران سفارت نه تنها هیچ اختلافی نبوده، بلکه ایمن دانشجویان بعنوان ابزار جهت تحکیم همه این جناح ها و مقرصان آنها دست به چنین کاری زدند و حمال که اشغال جاسوخانه رسالت خود را در "تخریب" توطئه ها انجام داده است، وقت آن رسیده که تخریب شود و بیس فرمان تخریب ما در میگردد. اما آنها یک عامل را در داستان خود بحساب نیاورده اند و یکی از "بازیگران" این "نمایش" (به تعبیر "زحمت")، دیگر نمی خواهد دل خود را بازی کند و دارد حرفهایی میزند که فراتر رسیده برسد و "نمایش" را پاک خراب کرده است. این "بازیگر" برخلاف "قرار و مدار" های قبلی، نقش عوض کرده و میگوید،

تخلیه نخواهم کرد. پس سایر "بازیگران" دست به یکی کرده، میخواهند این "بازیگر" یاغی را از صحنه خارج کنند. البته شما تا گران نمایش هم سه حمایت از این "بازیگر" یاغی برساخته، سالن را به میزبانان "بیگار" و "راه کارگر" نیز که در جمع شما گران (بمعنی دقیق کلمه) نشسته اند با لاجبار برای این "بازیگر" یاغی دست می زنند.

حقیقت اینست که کلیه این رفتار در آرزوهای اشغال جاسوخانه آمریکا باک به اشغال رفته اند و هر روز هم که میگذرد اشتها همان آنکارا تر میگردد. این آرزوهای که اشغال سفارت "توطئه" بوده است، از همان آغاز با دست بود و هست. اشغال سفارت نتیجه تفرقه افکنی معنی ارهیت حاکمه (خمینی) با امیرالیستیم آمریکا بوده و هست و از این مبارزه باید تا آنجا که به امیرالیستیم سریه میرسد حمایت نمود. هیئت حاکمه در برخورد با این مبارزه یک دست نبوده و نیست و نیروهای سازشکار و ضد انقلابی آن، ارمان آغاز مخالف آن بودند و هستند. توطئه تخریب سفارت، توطئه این سخن ارهیت حاکمه بر توطئه مبارزات جدا میریالیستی مردم ایران است و در عمل با بخش دیگری از رهیت حاکمه و بیرومیگردد.

وظیفه همه نیروهای انقلابی و مبارز است که از مبارزه جدا میریالیستی "دانشجویان مسلمان بیروخط امام" حمایت کنند و بر علیه همه جریاناتی که میگویند مبارزه آنها را از میان بردارند و مخالفت ورزند. این که "راه کارگر" و "بیگار" بالاخره در عمل به حمایت از دانشجویان آمده اند (از "زحمت" هنوز خبری نیست) گر چه قدری دیر است، اما بجای خود مثبت و مورد استقبال ما، اما ضروری نیست هست که این رفتار دست از تحلیل های نادرست خویش بردارند و واقعیات مبارزه طبقاتی و آرایشی تا همگامون هیئت حاکمه را به بینند و گریبان خویش را از این دوگانگی رها سازند.

دانشجوی خط امام ...  
دانستند که نمایانگرند و ام انقلابیان و بنا بر مخالفت آنان با عناصر راستین کاروا میریالیستیم آمریکا بود ما سند: دانشجوی خط امام دشمن آمریکا نیستی؛ لیبرالما رنگارنگ است آمریکا نیستی؛ گارگر، زحمتکش، فریاد خود را برکش، علیه هر نوع سازش. مرک بر آمریکا زیبا ترین کلام است. ملت ایران با تمام وجود و بطور همه جا شده در مقابل "شورای انقلاب" ایستاد. نون سازشکاری خواهد ایستاد و بیس مبارزه، جدا میریالیستی خویش بیس مردی خواهد نمود.

بحث آزاد ....

بین مردم عادی کوچ و سبازار و رواج دارد. بجزات میتوان گفت که تاکنون در طول انقلاب ایران، بدینگونه مباحث سیاسی به درون توده مردم نفوذ نکرده بود و این چنین توده های و همه گیر نبوده بود. این امر بسیار مثبت بوده و بنا نهاده شور و شوق مردم برای گس آگاهی و برای ادامه و تعمیق انقلاب است.

ولی گویا این امر بر ضد انقلاب بین و سازشکاران حاکم بسیار رکبان آمده است. آیت الله خا منده ای، امام جماعت تهران در خطابه ۱۷ اسفند خود میگوید: "بحث آزاد بسیار محسوب و لازم است اما دیده میشود کسانی به سبزه بحث آزاد در داخل کارخانه ها، مجتمع های صنعتی، در میان خیابان جمع میشوند و عده ای را در وجود جمع میکنند و مردمی که دنبال کار خود هستند به اصطلاح به بحث آزاد دعوت میکنند. این یک توطئه است، این یک سوء استفاده است. بحث آزاد نوبی خیابان مما ندارد، نوبی کارخانه و محل کار معنی ندارد. بگذارید اندیشمندان و آتیهایی که آما دکسی دهی دارند پشت نویسون ها ظاهر شوند. هر کسی سئوالی دارد بیاید مطرح کند و با حق آن را شنود و با اگر دارای حجت فاطمی است در برابر دیده همگان قرار دهد." (آزادگان

۱۸ اسفند). فقط دشمنان آگاهی مردم، این چنین میتوانند صحبت کنند. فقط آن کسانی که میدانند مردم در صورت آگاه شدن بر دشمنان می شورند، از بحث آزاد در بیس نبوده مردم، ارزد و بدل آگاهی ها در بین توده های وسیع مردم می هراسند. فقط ضد انقلابیون جرات دارند، بحث همه جا کیرو توده گیر که میلیونها نفر در آن شرکت دارند را "توطئه" بخوانند و گویا آیت الله خا منده ای و هم سلگانش از همین نماسند. آیت الله خا منده ای هر چند در لاش می خواهد بیس بر زمین بکوبد، محنت بدهد و کف به دهان بیاورد، ولی این سبزه های آگاهی های بیس، کار خا منده ای و ... نمودار انقلابی است که در ایران جاری است و این فحش ها و بیس زمین کوشن ها، قادر نیست این مردم را از انقلاب باز دارد. آیت الله خا منده ای اگر اعتراضی دارند میتوانند به خیابانها و کارخانه ها

بیایند و وارد بحث شوند!!



# توطئه در توطئه

با دوتنوع موضعگیری مشخص میگردد. یکدسته، این اقدام را یک اقدام ضد امپریالیستی و در نتیجه حمایت از آن را ضروری شمرده و دسته دیگری این اقدام را یک " توطئه " و " هیا هو " دانسته و تنها پشتیبانی از آن را ماذون نمیدانند، بلکه اعناء این " توطئه " و " هیا هو " را در دستور کار خویش قرار داده اند. دسته اول میتوان از جمله بد بقیه در صفحه ۱۳

رمانیکه جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا به اشغال " دانشجویان مسلمان بیروخط امام " درآمد و با بالا گرفتن یک نهفت بزرگ ضد امپریالیستی، مسئله چگونگی برخورد به این مسئله، بصورت یکی از موارد اختلاف حاد در میان جنبش کمونیستی و جنبش ملیست، گرچه موضعگیری های گوناگون یک طیف نسبتا ناممکنی را تشکیل میدهد، لکن در نهایت

## دانشجوی خط امام مقاومت، مقاومت گزارشی از تجمع مردم در برابر لانه جاسوسی آمریکا

بعد از اینکه روز پنجشنبه اطلاع عید دانشجویان مسلمان بیروخط امام در باره تحویل گروگانهای جاسوسخانه " شورای انقلاب " را داد و دیروز نیز برین منتهی شد، از اوائل شب جوانان و دانشجویان به سان مردم رفته خطر توطئه و تاراج را که " شورای انقلاب " بدست آن آغا زیده بود به گوش ملت رسانیدند. جوانان و دانشجویان با در دست گرفتن پلاکاردها و راهپیمایی ها از خوابگاه ها به سوی لانه جاسوسی، مردم را به حمایت از دانشجویان مستقر در جاسوسخانه فرا میخواندند. درین حرکت بوده ای که با پشتیبانی بسی دریخ مردم و جوانان آزاده روبرو شد هزاران نفر از کوشه و کنگره شهر سوی خیابان آیت الله طالقانی ولایت جاسوسی سرار برسد چنانکه سعید از مدتی است به جمعیت در مقابل جاسوسخانه گروگانها آمدند و با شعارهای : دانشجوی خط امام مقاومت، مقاومت مت : از سکرانقلاب محاضرت

مقاومت : عنا صرا رنگا ردر هر مقام کردند. حمایت بدریخ خویش را از دانشجویان خط امام را از دست دادند. مردم شهرمان شیران به این نیز اکتفا نکرده آماجگی خود را در جهت بیداری تاصح و حفاظت از گروگانها اعلام داشتند و برآستی که شور و نشاط امپریالیستی مردم ما یکبار دیگر جلوی جاسوسخانه را وضعیتی تازه بخشیدند و صحنه های شب های اول اشغال جاسوسخانه را دوباره تجدید نمودند. اما اینبار رفتار و تفرقه ای اساسی در میان بود. اینبار تنها امپریالیسم آمریکا مورد تهاجم نبود بلکه

## نقدی بر نظرات 'راه کارگر'

رفقای راه " کارگر " در جزوه " فاسم، کاپوس یا واقعیت " (بخش ۲)، " درباره ماهیت و بایکاه طبقاتی دولت "، تعریف شکر و وجدیدی از ماهیت و بایکاه طبقاتی دولت بدست میدهند. می نویسند " سمیروی تشکیل دهنده " بلوک قدرت گوسی میا راستمدار : روحانیت، سرمایه متوسط، سرمایه انحصاری. ( همانجا، ص ۹۶ ) یعنی ماهیت و بقیه در صفحه ۱۳

یک نکته عمومی در شماره " نوجبات " راه کارگر " گفتنی دارد و آن اینکه این رفقا صریح نمی نویسند و حرفها بستان را در انبوهی از تاج و برکتها و حجلات فیلسوف ما با نه و ناروش بستان میدارند و در نتیجه راه را برای تها بیکر گوناگون باز میکنند و در نتیجه حالت مشکل میتوان فهمید که بالاخره چه میگویند، این عدم صراحت بویژه رمانیکه مقاله مجادله " شوریک - سیاسی در پیش باشد، به عاملی جهت بستان داشتن حقیقت آنجه " راه کارگر " میگوید باری میرساند. بی بایکاهین تاج و برکتها و گریزهای گدیده صحرای گریلا و قراط و املاطون و یونان عزیزند را گونا ردها برای خواننده " عادی، حقیقت مطلب روشن کردد.

## بیاد شهیدان سنندج

یکسال پیش در چنین روزهایی، وقتی مردم ایران سرشار از پیروزی بسر درباریهلوی و به استقبال عبدالنوروز میرفتند و با امید سرآغازی نوین، از مال جدید استقبال می نمودند، تیر سنندج بخون کشیده شد، راهرو دستگیر مرتجع و خائن مفتی زاده، با همدستی فرماندهان ارتشی که با ملت ایران " همستی " نموده بودند، در یک تو - طند حساب شده، بمنظور محروم کردن مردم سنندج از اولیه ترین حقوق دموکراتیکشان، بر مردم این شهر بپوش برده، ارتش و نیروی هوایی را بجان آنان انداختند. از همان زمان بیروهای جنگ امروز و مرتجع هیئت خاکمه، حدیث آشکار خویش را بسا

خواستهای به حق خلق کردستان داد امروز نیز کماکان نشان میدهد. دستگاه دروغ بیاکتی فطبزاده مسئولیت این جنگ بدخواهانه را به گردن نیروهای انقلابی انداخت و کارزار کتبی که می بایست زمینه تهاجم سدی به کردستان را فراهم کند از همان زمان شروع شد. در سالروز این جنگ خونبار، ما شهادت بسیاری از جوانان انقلابی کرد را به خانواده های آنان، گه در این ایام بایکاه خلع کردن بر سر هفت سین، بر مراسم بیدار شدن در دست رفتن شان اشک بریزند، تسلیم گفتند با آنان و همه خلق کرد در مبارزه تا کسب خواسته های به حق دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران تجدید عهد میکنیم، با شهیدان سنندج وید و خاطره شان گرامی باد.

## ۲- تحلیل طبقاتی و راه کارگر بحث آزاد است

## ولی نه برای مردم!

مبارزه، مردم علیه امپریالیسم و سارکاری و سارکرات استخالیسی، وهم چنین با لاف من سطح آکا هی مردم، در کوشه و کنگره همه، حیابانها محبت سیاسی بقیه در صفحه ۱۳

اخیرا روشن بسیاری از کتاهنگارها و سارکارتیهای دولت مومت و " شورای انقلاب " بسیاری از شخصیتهای " اسلامی " و " ملیسی " مختلف، وهم چنین با بالا گرفتن

حمایت بدریخ خویش را از دانشجویان خط امام را از دست دادند. مردم شهرمان شیران به این نیز اکتفا نکرده آماجگی خود را در جهت بیداری تاصح و حفاظت از گروگانها اعلام داشتند و برآستی که شور و نشاط امپریالیستی مردم ما یکبار دیگر جلوی جاسوسخانه را وضعیتی تازه بخشیدند و صحنه های شب های اول اشغال جاسوسخانه را دوباره تجدید نمودند. اما اینبار رفتار و تفرقه ای اساسی در میان بود. اینبار تنها امپریالیسم آمریکا مورد تهاجم نبود بلکه